

اسلامی شدن دانشگاه در ایران بعد از انقلاب؛ فراتحلیلی از پژوهشها

مقصود فراستخواه^۱
صادق آبسالان^۲

چکیده

از زمان طرح موضوع «اسلامی شدن دانشگاه» تاکنون، پژوهشهای زیادی سعی در ایضاح، جستارگشایی، تدقیق مفهومی، و آسیب‌شناسی این موضوع داشته‌اند. تکوین چنین سامان پژوهشی حول موضوع یادشده اگر چه منجر به ظهور یافته‌های جدید شده، اما تنوع و پراکندگی این موضوعات موجب شده نتوان دریافتی علمی از مباحث مطرح شده داشت. **هدف:** محقق در این پژوهش به بازاندیشی در معانی، مفاهیم، پیش‌فرضها، رویکردها و همه آنچه در پژوهشهای انجام شده طی سالهای گذشته به انجام رسیده، پرداخته است. **روش:** روش مورد استفاده در این پژوهش، فراتحلیل بوده و به شیوه کیفی و اسنادی انجام شده است. **یافته‌ها:** پژوهشهای انجام شده در حوزه اسلامی شدن دانشگاه را می‌توان مسامحتاً حول پنج مضمون گرایش دانشگاهیان به اسلامی شدن، مفهوم اسلامی شدن، راهکارها و موانع اسلامی شدن، امکان و ضرورت اسلامی شدن و اسلامی شدن، ایدئولوژی و قدرت سامان داد. **نتیجه‌گیری:** دانشگاهیان در مجموع با کلیت اسلامی‌سازی مخالفتی ندارند، اما سیاستها و برنامه‌هایی که برای اسلامی کردن دانشگاه ارائه و اجرا شده، با چالشهایی مواجه است. راه برون‌رفت از چالشهای موجود، رسیدن به فهمی مشترک در خصوص موضوع است؛ فهمی که: نقطه‌نظرات همه ذی‌نفعان در آن لحاظ شده، با عرف حاکم بر نهادهای علمی بین‌المللی در تعارض نباشد و متناسب با ارزشها و نیازهای جامعه اسلامی ایران باشد.

واژگان کلیدی: اسلامی شدن دانشگاه، انقلاب اسلامی، پژوهش، فراتحلیل.

دریافت مقاله: 95/11/01، تصویب نهایی: 96/07/20.

1. دکتری برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی. دانشیار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری. تهران- ایران.
2. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (نویسنده مسئول)/ نشانی: تهران؛ خ پاسداران، گلستان یکم (شهید مؤمن‌نژاد) / شماره: 88046891 / Email: sadegh_absalan@yahoo.com

الف) مقدمه

دانشگاه در بعد از انقلاب، یکی از کانونهای اصلی قدرت و مهم‌ترین میدان پیدایش، فعالیت و رقابت گفتمانها به شمار می‌آید. از یک سو گفتمان حاکم، دانشگاهها را مهم‌ترین مراکز فرهنگی جامعه تلقی کرده و همواره یکی از دغدغه‌های اصلی‌اش چگونگی تعامل و کنترل دانشگاه بوده است. طرفداران این گفتمان، دانشگاه را یکی از منفذهای هجوم فرهنگی بیگانگان به شمار آورده، معتقدند در صورت عدم مدیریت و کنترل آن، شاهد سیطره فرهنگ غربی بر کشورمان خواهیم بود. از سوی دیگر، گفتمانهای رقیب، گذاشتن قید برای دانشگاه و محدود کردن آن در چارچوبهای ایدئولوژیک را ناپسند و عامل اختلال در کارکردهای دانشگاه می‌دانند.

با وجود گذشت نزدیک به چهار دهه از طرح این موضوع در دانشگاههای کشور، اما «اسلامی‌سازی دانشگاه» همواره در مرکز منازعات گفتمانی گروههای سیاسی و جریانهای دانشگاهی قرار داشته و در معرض تولید گفتارهای بسیاری بوده است که هر یک از آنها به دنبال مرجح ساختن معنای خود از دانشگاه بوده‌اند. دسته‌ای بر «ضرورت» اجرای چنین طرحی در دانشگاه تأکید می‌کنند. این دسته، اسلامی شدن دانشگاه را ضرورتی بنیادین مطرح می‌کنند؛ ضرورتی فکری، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی که سرنوشت آینده جامعه ایران را رقم خواهد زد و از تکرار انحرافات و ناکامی‌های گذشته جلوگیری می‌کند. دسته‌ای دیگر، تنها بر «امکان» اسلامی شدن تأکید دارند. به باور این دسته، فائق آمدن دانشگاه اسلامی بر همه مسائل نظری و مشکلات عملی آن، شرط لازم امکان این تحقق است؛ امکانی که اگر تحقق یابد، بدون تردید برای جامعه ما مفید خواهد بود. اما حل این مشکلات و مسائل، به دلیل وجود قرائتهای متفاوت از اسلام از یک سو و رقابت بی‌امان و برتر غرب با هر الگوی جایگزین خود از سوی دیگر، اگر نگوییم محال، حداقل بسیار دشوار است. دسته سوم، معتقدان به «متنازع» چنین موضوعی‌اند. این دسته، اسلامی کردن علوم و معارف توصیفی بشر را نه ممکن و نه مطلوب می‌دانند. از نظر آنان، امکان طرح ایده اسلامی شدن به دلیل ناتوانی سنت در رویارویی با مسائل دنیای جدید وجود ندارد. دیدگاه چهارم، رویکردی است که به ارائه راه‌حلهای میانه در این خصوص می‌پردازد. این دیدگاه تاکنون در دو سطح نظری و عملی بروز و ظهور داشته است. در سطح نظری، علم و دین را مکمل هم می‌داند و معتقد است تعارضی بین محتوای علم و دین نیست؛ در سطح کاربردی نیز بر راه‌حلهایی چون دخالت دین در مرحله شکار مسائل، تأکید بر عرف عقلایی دانشگاهیان و تمرکز بر اقدامات عملی قابل اجرا و حداقلی، تأکید و از ایدئولوژیک شدن و سیاسی شدن این مبحث پرهیز دارد.

وجود دیدگاههای مختلف در بعد از انقلاب، موضوع اسلامی شدن دانشگاه را در بُعد نظری و عملی به موضوعی منازعه‌آمیز تبدیل کرده است. با وجود مناقشات در سطح نظری، اما در عمل اقدامات زیادی برای تحقق آن صورت گرفت. به وجود آمدن خط سیر پژوهشی در باب اسلامی شدن دانشگاه و مسائل پیرامون

اسلامی شدن دانشگاه در ایران بعد از انقلاب: فراتحلیلی از پژوهشها 471

آن، تعداد مطالب چاپ شده، ظهور چهره‌ها و شخصیت‌های بسیاری که از آنان به عنوان نظریه‌پرداز این حوزه یاد می‌شود، برگزاری نشست‌ها و کنگره‌های ملی و بین‌المللی، تولید متون نوشتاری (کتاب، نشریات تخصصی و ...)، همگی نشان از عزم راسخ نظام برای اسلامی کردن دانشگاه و حرکت تدریجی در این حوزه بوده است. با وجود برنامه‌ها و فعالیت‌های متنوع، به زعم بسیاری، اعم از رهبران و مبدعان اسلامی شدن و صاحب‌نظران ذی‌ربط، اسلامی شدن دانشگاه به اندازه‌تقلایهایی که صورت گرفته، دستاورد چندانی نداشته است. در این مقاله تلاش می‌شود به بررسی این ارزیابی از منظر پژوهش‌های صورت گرفته و بازاندیشی در حوزه پژوهشی که حول این موضوع سامان یافته، پرداخته شود.

از زمان وقوع انقلاب فرهنگی و مطرح شدن ضرورت اسلامی شدن دانشگاه تاکنون، پژوهش‌های زیادی سعی در ایضاح، جستارگشایی، تدقیق مفهومی، آسیب‌شناسی و ... این موضوع داشته‌اند و حجم انبوهی از اطلاعات در این خصوص تولید شده است. با وجود این داده‌ها، پراکندگی و تنوع موضوعات مانع از آن شده که شناختی کلی از معانی، مفاهیم، پیش‌فرض‌ها و رویکردهای حاکم بر این پژوهش‌ها داشته باشیم. این مطالعه تلاش کرده با محور قرار دادن سؤالات ذیل، به بازاندیشی در این پژوهش‌ها بپردازد:

- این مطالعات حول چه مضامین و مفاهیمی صورت پذیرفته است؟
- مطالعات صورت گرفته چه بازنمایی از موضوع داشته‌اند؟
- چه ارزیابی از موضوع یادشده از منظر پژوهش‌های صورت گرفته می‌توان داشت؟

بنابر این، در این مقاله ضمن پیدا کردن مؤلفه‌های مشترک در بین مطالعات انجام شده و اقدام به دسته‌بندی آنها، تلاش دارد به ارزیابی انتقادی این پژوهش‌ها در چارچوب ادبیات نظری موجود حول مفهوم اسلامی شدن برای پاسخگویی به سؤالات پژوهش بپردازد. اگرچه تنوع و وسیع بودن پژوهش‌های یاد شده، تجمیع آنها را در چارچوب کلی سخت می‌کند؛ اما بررسی مضامین این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که می‌توان با قدر مشترک گرفتن برخی مؤلفه‌ها، این دسته‌بندی را انجام داد.

ب) روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله، فراتحلیل¹ از نوع کیفی و مروری است. به همین منظور تلاش می‌شود با مرور آثار، به بازخوانی و تلفیق و دسته‌بندی پژوهش‌های مرتبط با موضوع اسلامی شدن دانشگاه پرداخته شود. در روش فراتحلیل، نتایج مطالعات مختلف به مقیاس مشترک تبدیل می‌شود. در واقع؛ فراتحلیل، مطالعه و بررسی نظام‌مند پژوهش‌های گذشته است. فراتحلیل «مکان تلخیص، ادغام، ترکیب (سنتز) و تفسیر داده‌ها،

شواهد و نتایج پژوهشهای کمی و کیفی و حتی بسط و گسترش نظریه‌ها و مدل‌های مفهومی را در بسیاری از حوزه‌های مطالعاتی، از جمله علوم اجتماعی و رفتاری فراهم می‌کند». (قاضی طباطبایی و ودادیر، 1389: 9)

جامعه پژوهش شامل کلیه متون نوشتاری (کتاب، پایان‌نامه، پژوهش و مقاله) منتشر شده مرتبط با موضوع و قابل دسترس در داخل و خارج کشور، در بازه زمانی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است. برای شناسایی مقالات و کتب مرتبط، به پایگاه‌های اطلاعات علمی (بانک اطلاعات نشریات و مجلات ایرانی،¹ مرکز داده‌های پایگاه اطلاعات علمی و بانک اطلاعات نشریات جهاد دانشگاهی،² سامانه بانک اطلاعات خانه کتاب³ و پایگاه نشریات انگلیسی سیج⁴) مراجعه شد. از میان پژوهشهای موجود و در دسترس، 47 عنوان که در ارزیابی‌ها ارتباط بیشتری با موضوع مدنظر داشتند، نقد و بررسی شدند. روند نقد و بررسی پژوهشهای یادشده تابع قاعده مشخصی بود؛ بدین ترتیب که ابتدا متن مدنظر، بررسی و در ادامه، مضامین برجسته آن استخراج می‌شد. سپس بر اساس ادعاهای مطرح شده و نتایج یافته‌ها، کار نقد و بررسی با تکیه بر ادبیات نظری موجود در حوزه اسلامی شدن دانشگاه صورت می‌گرفت.

ج) یافته‌های پژوهش

همان‌طور که اشاره شد، در دوره بعد از انقلاب و با مطرح شدن موضوع اسلامی شدن دانشگاه در جریان انقلاب فرهنگی، خط سیر پژوهشی در این ارتباط شکل گرفت و آثار علمی زیادی در قالب کتاب، نشریه، مقاله، پایان‌نامه، طرح پژوهشی و ... منتشر شد. در این مطالعه تلاش شده با تأکید بر مؤلفه‌های مشترک این پژوهشها، آنها را ذیل مقولات کلی‌تر تحلیل و بررسی کنیم. برای این کار، عنوان پژوهش و محتوا و تم اصلی که پژوهش به دنبال طرح آن بود، مورد توجه قرار گرفت. بررسی‌ها نشان داد با اندکی تسامح این پژوهشها حول مضامینی چون: «گرایش دانشگاهیان به اسلامی شدن»، «مفهوم اسلامی شدن»، «موانع و راهکارها»، «ضرورت و امکان اسلامی شدن»، «ایدئولوژی و قدرت» سامان یافته‌اند. در ادامه تلاش می‌شود ضمن بررسی مضامین برجسته هر یک از پژوهشهای یاد شده - مبتنی بر دسته‌بندی ارائه شده - به ارزیابی انتقادی آنها در چارچوب ادبیات نظری موجود حول مفهوم اسلامی شدن پرداخته شود.

1. Magiran.com
2. Noormags.com
3. SID
4. Sage Journals

1. گرایش دانشگاهیان نسبت به موضوع اسلامی شدن و موضوعات مرتبط

سنجش نگرش دانشگاهیان نسبت به موضوع اسلامی شدن دانشگاه و موضوعات مرتبط با آن، بخشی از پژوهشهای این حوزه را به خود اختصاص داده است. در واقع؛ نهادها و دستگاههای متولی موضوع اسلامی شدن، برای سنجش برنامه‌ها و فعالیتهای خود از یک سو و همچنین ذهنیتی که دانشگاهیان در قبال موضوع یاد شده دارند از سوی دیگر، پژوهشهای متعددی را به انجام رسانده‌اند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهشها که حول سه محور: یک) گرایش دانشگاهیان به «اسلامی سازی دانشگاه»، دو) «گرایش دینی و مذهبی دانشجویان» و سه) «گرایش دانشجویان به دروس عمومی»، بررسی شده‌اند، می‌پردازیم.

یک) گرایش دینی و مذهبی دانشجویان

دانشگاه اسلامی آرمانی بود که با وقوع انقلاب در اهدافی مانند تغییر و اصلاح متون درسی، تلاش برای جذب استادان مذهبی و تصفیة استادان غیر مذهبی، تربیت دانشجویان مکتبی و متعهد به نظام جمهوری اسلامی، تقویت نهادهای رسمی نماینده گفتمان حاکم در دانشگاه، متعهد بودن دانشگاه به نظام اسلامی و ... خلاصه می‌شد. در بعد از انقلاب این برنامه با فراز و نشیبهای زیادی مواجه شد و میدان دانشگاه عرصه نزاع دیدگاههای تند و اغلب متمایزی نسبت به موضوع شد. با گذشت دو دهه از عمر انقلاب، ارزیابی موضوع از سوی متولیان در دستور کار قرار گرفت. بدین منظور به سفارش نهادهای متولی، پژوهشهایی در راستای ارزیابی و سنجش دیدگاه دانشگاهیان از موضوع اسلامی شدن در دستور کار قرار گرفت.

بر اساس یافته‌های پژوهشهای مرتبط با گرایش دانشگاهیان به موضوع اسلامی شدن، اگر چه میزان گرایش دانشگاهیان (اعضای هیئت علمی و دانشجویان) به اسلامی سازی دانشگاه در حد متوسط است و دانشگاهیان با کلیت اسلامی سازی مخالفتی ندارند، اما سیاستها و برنامه‌هایی که برای اسلامی کردن دانشگاهها ارائه شده، به دلیل عدم شفافیت، تفسیر سیاسی از موضوع و موارد دیگر که ذکر آن آمد، در عمل با چالش مواجه بوده است. گرایش پایین دانشجویان به مؤلفه‌هایی که از جانب گفتمان رسمی مورد تأکید است، همچون: همکاری حوزه و دانشگاه برای اسلامی کردن متون درسی، جلوگیری از تکوین و گسترش فرهنگ غرب در دانشگاهها، راه‌اندازی گروه معارف اسلامی در دانشگاهها و ... در کنار این تلقی دانشجویان که اسلامی شدن پروژه‌ای ایدئولوژیک، عامل اختلال در نظام پاداش‌دهی در درون دانشگاه، دارای شفافیت پایین و بیش از آنکه خصلتی علمی داشته باشد خصلتی سیاسی دارد، نشانه‌هایی از چالشهای فرارو است. در مجموع می‌توان این استنباط را داشت که بخشی از برنامه‌ها و فعالیتهایی که در راستای اسلامی شدن دانشگاه صورت گرفته، با هدف تقویت هویت اسلامی و انقلابی بوده است. بر اساس شواهد متکی بر داده‌های موجود، نقصانهایی در این فعالیتهای برنامه‌ها وجود دارد که در صورت عدم بازنگری و اصلاح آن، دستیابی به هویت مذکور به آسانی ممکن نیست؛ به خصوص وقتی شاهد ظهور

برخی هویت‌های رقیب مبتنی بر تجدد، قومیت، جنسیت، مذهب و ... در دانشگاه باشیم که در صدد تضعیف هویت مطلوب نظام باشند.

جدول 1: گرایش دانشگاهیان به اسلامی شدن دانشگاه

نویسندگان	عنوان یا ایده کانونی	نتایج
هاشم‌زهی و همکاران (1388)	بررسی موفقیت یا عدم موفقیت «پروژه اسلامی شدن» از طریق پیمایش‌های سراسری	1. ناکامی در اسلامی‌سازی دانشگاه. 2. ناهمخوانی مؤلفه‌های مورد توجه کنشگران دانشگاهی و مبدعان اسلامی‌سازی. 3. خوش‌بین نبودن دانشجویان به اسلامی‌سازی علم. 4. عدم گرایش دانشجویان به مؤلفه‌هایی که از جانب گفتمان رسمی مورد تأکید بسیارند؛ مانند همکاری حوزه و دانشگاه برای اسلامی کردن متون درسی. 5. ایدئولوژیک خواندن اسلامی شدن از سوی دانشجویان. 6. اعتقاد به اینکه اسلامی شدن موجب اختلال در نظام پاداش‌دهی در درون دانشگاه شده است. 7. اعتقاد به شفافیت پایین اسلامی شدن. 8. اسلامی شدن دانشگاهها تعارضی با رعایت هنجارهای علم ندارد.
ابی‌زاده (1380)	تصور دانشجویان از موضوع اسلامی شدن و نقش تشکلهای دانشجویی در ایجاد چنین تصویری	1. مهم بودن ایده اسلامی شدن یا عدم شفافیت آن. 2. عدم مخالفت با کلیت اسلامی شدن. 3. گسترش بدبینی نسبت به موضوع به دلیل تفسیرها و تبیینهای یک‌طرفه جناحی. 4. تمایز قائل شدن بین دینی شدن فضای دانشگاه و اسلامی شدن. 5. مخالفت با این ایده که اسلامی شدن از زیرساختهای نظری و اندیشه‌های قوی برخوردار نیست. 6. اعتقاد به ارتباط بین انفعال و فعالیت سیاسی دانشجویی با نگرش به اسلامی شدن. 7. عدم اعتقاد به این موضوع که جریانهای روشنفکری نسبت به سایر جریانهای سیاسی و فکری به روند دینی تر شدن دانشگاهها کمک کرده‌اند.

دو) گرایش دینی و مذهبی دانشجویان

یکی از خواسته‌های نظام از طرح ایده اسلامی کردن دانشگاه، «تربیت دانشجوی اسلامی» یا به عبارتی؛ دانشجوی مکتبی و متعهد به ارزشهای انقلاب اسلامی بود. پایبندی دانشجویان به ارزشهای اسلامی و دینی، باور به این ارزشها و نمود آن در رفتار آنان، حداقل خواسته نظام در این راستا بود. از این رو، بعد از انقلاب یکی از محورهای پژوهشی که همواره نهادهای رسمی متولی و دیگر پژوهشگران دنبال کرده‌اند، سنجش نگرش دینی و مذهبی دانشجویان بوده است. در جدول 2، ضمن اشاره به یافته‌های مهم این پژوهشها، به نقد و بررسی آنها می‌پردازیم.

اسلامی شدن دانشگاه در ایران بعد از انقلاب؛ فراتحلیلی از پژوهشها 475

جدول 2: گرایش دینی و مذهبی دانشجویان

نویسندگان	عنوان یا ایده کانونی	نتایج
عبدالمطلب و جعفریان (1381)	بررسی الگوهای فتاری و مذهبی دانشجویان در دوران تحصیل	1. سوق پیدا کردن دین در بین دانشجویان به سمت خصوصی و فردی شدن. 2. رواج داشتن سه نوع دینداری باطنی، شریعتی و اجتماعی و گرایش بیشتر به دینداری باطنی. 3. وجود رابطه مستقیم بین افزایش ترم تحصیلی و کاهش فرایض دینی (نماز و روزه)، شرکت در مناسک مذهبی و اعتقاد به حجاب.
رجب‌زاده (1379)	دانشگاه، دین و سیاست	الف) در تعارض بین علم و دین، دانشجویان علم را ترجیح می‌دهند. ب) تلقی از دین: 1. مخالفت پیش از نیمی از دانشجویان با تلقی سنتی و نص‌گرایانه از دین، 2. مخالفت یک چهارم جمعیت نمونه با تلقی سکولار از دین - موافقت حداکثری با تلقی عقل‌گرایانه از دین، 3. مخالفت حداکثری با نگاه مادی‌گرایانه، مصلحت‌گرایانه و ابزاری به دین. ج) جایگاه روحانیت در دین: 1. مخالفت با این ایده که «دین همان چیزی است که روحانیت می‌گوید» (81/9 مخالف، 6/5 موافق)، 2. کاهش مرجعیت روحانیت در بین دانشجویان، 3. مخالفت با گویه «تداوم دین بدون دستگاہ روحانیت» (53/5 مخالف، 21/21 موافق).
سراج‌زاده و جواهری (1382)	سنجش نگرش و رفتار دانشجویان	میزان و نوع دینداری: 1. در میان ابعاد مختلف دین به ترتیب: اعتقادی، تجربی، پیامدی و مناسکی از نظر دانشجویان دارای اولویت‌اند. 2. در پاسخ به گویه «به عنوان یک مسلمان خود را مصداق کدام‌یک از موارد زیر می‌دانید»: 43/3٪ مسلمان عادی، 28٪ نواندیش، 16٪ انقلابی و ولایتی، 9/5٪ شناسنامه‌ای و... 3. میزان دینداری در بین دانشجویان بالاست (78٪ زیاد، 20/5٪ متوسط و 1/5٪ ضعیف). 4. شرکت در عبادات جمعی مانند نماز جماعت مسجد دانشگاه و نماز جمعه پایین است (به ترتیب 21٪ و 8٪ به طور دائم در نماز جماعت دانشگاه و نماز جمعه شرکت می‌کنند. 85٪ به ندرت یا اصلاً شرکت نمی‌کنند). 5. 67٪ دارای مراجع تقلیدند.
مرشدی (1384)	چندگانه شدن زیست جهان دانشجویان و نسبت آن با عرفی شدن	1. باور و اعتقاد به دین در بین دانشجویان کمتر دستخوش تغییر شده، اما نوع نگرش دانشجویان به اعمال فردی و به ویژه اعمال جمعی در حال تغییر است. 2. خصوصی شدن، گزینش‌گری و تکثرگرایی، سه رویکرد مورد اقبال در بین دانشجویان است و حتی شکل نهادینه و ساختاری در قالب تشکلهای دانشجویی به خود گرفته است.
میرسندهی (1383)	میزان و انواع دینداری دانشجویان	1. در بین اجزای مناسکی دینداری «نماز و روزه» بیشترین و مستحبات دین کمترین اهمیت دارد. 2. در بین اجزای اعتقادی «اعتقاد به معاد و معصومین» بیشترین و «اعتقاد به حجاب در حد اعلای آن یعنی چادر» حائز کمترین اهمیت است. 3. توجه به بعد اعتقاد و باورهای دینی بیشتر از بعد مناسکی است. 4. پیروی از روحانیت: کمترین میزان پیروی در مسائل سیاسی و بیشترین در ارتباط با مسافله فروع دین و احکام شرعی است. 5. «حفظ سنتی دین»، «عدم ضرورت انصیاق دین با وضعیت مدرن» و «بازگشت به ریشه دین و مقاومت در برابر تفسیرهای نو در دینداری» با کمترین موافقت از سوی دانشجویان مواجهند. 6. «نقش علوم جدید در تعمیق باورهای دینی»، «توجه دین به مقتضیات زمان و مکان»، «هوسازی دینی»، «لرزم بازنگری در برخی اعتقادات و رفتارهای دینی» بیشترین موافقت را از دانشجویان گرفته‌اند.
آروین (1384)	بررسی ارتباط میان نهادمند شدن دین و شخصی شدن آن	ترویج نوعی دینداری فردگرایانه در بین دانشجویان که حائز پنج ویژگی ذیل است: انتخاب‌گری و گزینش‌گری در اصول و فروع دین، ترکیبی بودن عقاید مذهبی، رویکرد دنیوی و ابزارگرایانه به دین، تنوع و تکثر دین‌ورزی و بی‌شکلی دین‌ورزی.

یکی از روشهای علمی ارزیابی سیاستهای اجرا شده در حوزه اسلامی شدن دانشگاهها، بررسی میزان اعتقادات، باور و رفتار مذهبی دانشجویان است. به همین منظور در بعد از انقلاب، نهادهای متولی حوزه اسلامی شدن دانشگاه برای ارزیابی سیاستهای خود و همچنین آسیب شناسی برنامه ها و فعالیتهای اجرا شده، تحقیقات زیادی را به انجام رسانده اند. با مرور این پژوهشها، برخی از یافته های مهم آنها را ذکر کردیم؛ اما برای بررسی و تحلیل نتایج این پژوهشها لازم است بدانیم اولاً، تفسیر گفتمان حاکم از دین و توقع آن از یک انسان دیندار چیست؟ ثانیاً، بر اساس این تفسیر، وضعیت دینداری دانشجویان چگونه است؟ برای تشریح این موضوع به طور مختصر تفسیر دین در گفتمانهای سیاسی کشور را بررسی می کنیم.

بر اساس ادبیات نظری موجود، یکی از مفاهیمی که همواره مورد نزاع گفتمانهای سیاسی مختلف در کشور بوده، «دین» و به عبارت دقیق تر؛ نوع تفسیر و قرائت این گفتمانها از دین بوده است. در میان خرده گفتمانهای اسلام سیاسی، با وجود نگاه یکسان به اصل دین، تفاسیر مختلف از نحوه و کیفیت حضور دین در جامعه وجود دارد. گفتمان اسلام سیاسی محافظه کار همواره تفسیر دین را در محدوده وظایف خود دانسته و قرائتهای دیگر از دین را به رسمیت نمی شناسد. این گفتمان، اولاً، تفسیرش از دین یک تفسیر حداکثری است؛ به طوری که دین را مجموعه ای از دستورها و احکام می داند که دنیا و آخرت انسان را در بر گرفته و همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان را پوشش می دهد؛ ثانیاً، قرائتهای مختلف از دین را نفی می کند و دامنه قطعیت دینی را گسترده می داند؛ ثالثاً، قائل به مرجعیت انحصاری روحانیت در دین شناسی بوده، به شدت با تفسیرهای روشنفکران از دین مخالف و آن را نامعتبر می داند (حسینی زاده، 1386: 395-396). در مقابل این گفتمان، گفتمان اصلاح طلبی است. تفسیر این گفتمان از دین، نقطه مقابل گفتمان محافظه کاری است. در حالی که گفتمان محافظه کار به شدت با طرح قرائتهای متفاوت از دین مخالفت است، گفتمان اصلاح طلبی بر وجود قرائتهای متنوع پای می فشرود. این گفتمان با تفسیر نوگرایانه از دین و ارزشهای دینی می کوشد تا از گسترش شکاف روزافزون طیفهای سنتی و مدرن جامعه ایرانی جلوگیری کرده و نظام دینی را با دنیای مدرن سازگار کند. (همان: 421-418)

با این توضیح و برای پاسخگویی به سؤالات مطرح در این بخش، به تفسیر یافته های پژوهشهای مرتبط به سنجش وضعیت دینداری دانشجویان بر اساس این الگوی نظری می پردازیم. تحلیل آمارهای مذکور، در کل نشانگر «تغییر الگوی دینداری» در دوران دانشجویی است. بر اساس یافته های موجود، دانشجویان همچنان در بُعد اعتقادات دینی، اخلاق و تکالیف فردی، وضعیت رضایت بخشی دارند؛ اما گرایش آنان به نوعی دینداری فردی، خصوصی، عرفانی و باطنی است که با کدهای رسمی دینداری؛ یعنی دینداری اجتماعی، ایدئولوژیک و شریعت گونه که دین را در انجام مناسک، حفظ ظواهر و در سطح اجتماعی و سیاسی می بینند، در تعارض قرار دارد. «پایبندی ضعیف دانشجویان به تکالیف دینی جمعی»، «عدم استقبال از تلقی سنت گرایانه از دین»، «کاهش مرجعیت روحانیت در بین دانشجویان»، «ترویج نوعی دینداری

اسلامی شدن دانشگاه در ایران بعد از انقلاب؛ فراتحلیلی از پژوهشها 477

فردگرایانه در بین دانشجویان با ویژگی‌هایی مانند انتخاب‌گری و گزینش‌گری در اصول و فروع دین، «ترکیبی بودن عقاید مذهبی»، «رویکرد دنیوی و ابزارگرایانه به دین»، «تنوع، تکثر و بی‌شکلی دین‌ورزی» که از نتایج پژوهشهای موجودند، نشانه‌هایی از این تغییر الگو می‌باشند. علاوه بر این، نتایج برخی از پژوهشهای مرتبط، نشان از تغییر ذهنیت مذهبی برخی دانشجویان، قبل و بعد از ورود به دانشگاه دارد؛ که این تغییر، بیشتر در جهت سکولار شدن ذهنیت آنان بوده است. بنابر این، به نظر می‌رسد نوع فعالیتها و برنامه‌های فرهنگی که تاکنون به منظور قوام‌بخشی به هویت مذهبی دانشجویان، متناسب با خواست نظام اجرا شده است، نتوانسته به هدف و مقصود لازم برسد. حضور کم‌رنگ و عدم استقبال دانشجویان از برنامه‌های فرهنگی رسمی دانشگاهها و تغییرات محسوس آنها در نوع و شیوه دین‌ورزی، نشان می‌دهد این برنامه‌ها نیاز به بازنگری اساسی دارد. شاید به رسمیت شناختن برخی از این تغییرات، موسع دیدن تعریف دینداری، شرکت دادن دانشجویان در طراحی برنامه‌هایی که با ذائقه و اقتضای سن آنان تناسب بیشتری داشته باشد و همچنین شناخت بیشتر سیاستگذاران فرهنگی آموزش عالی از روند تحولات جامعه و سیاستهای متناسب با این تحولات، بخشی از راهکارهای فایق آمدن بر چالشهای موجود باشد.

سه) گرایش دانشجویان نسبت به دروس عمومی

یکی دیگر از سیاستهای اعمال‌شده بعد از انقلاب برای اسلامی کردن دانشگاهها، گنجانیدن دروس عمومی در برنامه‌های درسی دانشجویان است. از این رو، بررسی گرایش دانشجویان نسبت به این سیاستها بخشی از پژوهشهای این حوزه را به خود اختصاص داده است.

جدول 3: گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی

نویسندگان	عنوان یا ایده کانونی	نتایج
مجیدی و فاتحی (1385)	سنجش نگرش دانشجویان نسبت به دروس معارف اسلامی	به طور کلی 33/2 درصد از دانشجویان محتوای دروس معارف اسلامی را مثبت ارزیابی نکرده‌اند.
مشکات (1395)	نگاهی آسیب‌شناسانه به کتابهای معارف اسلامی	1. حاکمیت رویکرد ذهن‌مدار و دانش‌افزای صرف بر کتابهای موجود معارف 2. پیشنهاد اصلی برای برون‌شدن از این دوگانگی، اتخاذ رویکرد جامع‌نگر و نگرش‌ساز است.
حلیمی جلودار (1394)	میزان گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی	1. گرایش به این دروس در سطح متوسط است که بیشترین میزان، به جنبه احساسی و کمترین آن، به جنبه شناختی اختصاص دارد. 2. عملکرد اساتید معارف و «کیفیت متون آموزشی» بیشترین تأثیر را بر میزان گرایش دارند.
هراتی و قنبری	میزان مطابقت محتوای ارائه شده	میزان برآورده شدن انتظارات دانشجویان از مطالب تدریس شده در درس انقلاب اسلامی در خصوص پاسخگویی به شبهات و سؤالات آنها پیرامون

انقلاب اسلامی کمتر از حد متوسط است.	در درس انقلاب اسلامی ایران با انتظارات دانشجویان	(1391)
1. جذاب نبودن دروس دینی دانشگاه و پاسخگو نبودن محتوای این دروس به پرسشهای دانشجویی (76٪ قائل به عدم پاسخگویی) 2. محیویت پایین اساتید دروس دینی (75٪ پاسخ مثبت) 3. ناموفق بودن اساتید حوزوی در برقراری ارتباط با دانشجویان (61٪ موافق)، نامناسب و ناکافی دانستن دروس دینی.	آموزش دینی در دانشگاه	ایسپا (1380)

تلاش برای تغییر و اصلاح متون درسی، به ویژه در حوزه علوم انسانی، بر اساس منابع دینی و زیر نظر علمای دینی و گنجاندن دروس عمومی همچون: اخلاق اسلامی، معارف اسلامی، اندیشه‌های اسلامی و ریشه‌های انقلاب اسلامی، از جمله برنامه‌هایی بوده که بعد از انقلاب و در راستای اسلامی کردن دانشگاهها انجام شد. اگرچه این ایده در عمل نتوانست به طور کامل تحقق پیدا کند و با مشکلاتی مواجه شد، اما گنجاندن متون و دروس عمومی در برنامه درسی همه رشته‌های دانشگاهی، مهم‌ترین اقدام در این راستا بود و دست‌اندرکاران این اقدام انتظار داشتند با گنجاندن این دروس، دانشجویان در کنار تخصص دانشگاهی، با ارزشهای اسلامی آشنا شده و بدین ترتیب تخصص و تعهد را توأمان فراگیرند.

یافته‌های پژوهشهای بررسی شده، دارای سویه‌های متفاوت است. فارغ از این سوگیری‌ها و بر اساس شواهد موجود، سیاست دروس عمومی که با هدف تقویت «فرهنگ اسلامی و انقلابی» و «هویت‌بخشی دینی» در بین قشر دانشجو اجرا شده، خالی از اشکال نبوده است. بر اساس داده‌های موجود، جذابیت و کیفیت پایین محتوای این دروس، برآورده نشدن انتظارات دانشجویان در کلاسهای دروس عمومی، انتزاعی بودن مباحث، عملکرد ضعیف برخی از اساتید این کلاسها و ...، برخی از چالشهای موجود در این حوزه‌اند. این چالشها می‌تواند زمینه بی‌تفاوتی نسبت به این دروس و عدم استقبال از کلاسهای دروس عمومی را به دنبال داشته باشد. بنابر این، برای اثرگذاری بیشتر دروس عمومی در راستای اهداف تعیین شده، اصلاح و بازنگری برخی رویه‌های مرسوم اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

2. مفهوم اسلامی شدن

بعد از طرح موضوع اسلامی شدن دانشگاه، بخش زیادی از پژوهشهای این حوزه به تدقیق مفهومی «اسلامی شدن» و مفاهیم مرتبط با آن اختصاص پیدا کرد. در این ارتباط، مفهوم اسلامی شدن از دیدگاه بنیانگذار جمهوری اسلامی و مبدع اصلی این مفهوم و همچنین مقام معظم رهبری به عنوان جهت‌دهنده اصلی این خواست بعد از رحلت امام (ره)، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول 4: مفهوم اسلامی شدن

موضوع	نویسندگان	عنوان یا ایده کانونی	نتایج
مفهوم اسلامی شدن	داوری و سلیمی (1378)	مفهوم اسلامی شدن دانشگاه از دیدگاه امام و رهبری	دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که: در آن تخصص توأم با تهذیب و تعهد است، هویت اسلامی در آن اصالت دارد، دارای استقلال علمی و فرهنگی است، محصول آن افراد مؤمن و متعهد است، سعادت دنیوی و اخروی را توأمان تأمین می‌کند، ارزشهای دینی در تمام ساختهای آن اعم از باطن و ظاهر حکمفرماست، پاسخگوی مسائل و مصالح کشور است، در جهت «الله» و «قرب الهی» است.
	رزاقی (1378)		
	زراعت (1376)		
مفهوم اسلامی شدن	اکبری و شکرانی (1387)	صورت‌بندی دانشگاه اسلامی باید اهداف، راهبردها، برنامه‌ها و مطالعات خود را بر مبنای تعالیم اسلامی طراحی و تنظیم کند.	1. تأکید بر نقش غیر قابل انکار عوامل «غیرمعرفتی» در سوق دادن دانشگاه به سمت اسلامی‌شدن. 2. عدم توجه به این عوامل، پروژه اسلامی شدن را نافرجام می‌کند.
	گودرزی (1387)	تعاریف مختلف حول مفهوم «اسلامی شدن دانشگاه»	
	ذاکرحالهی (1389)		1. دیدگاههای مرتبط با مفهوم اسلامی شدن به سه دیدگاه: مخالف، حداکثری و معتدل قابل تقسیم است. 2. دیدگاههای مطرح، عمدتاً رادیکال، متمایز و تند و تیز هستند. 3. در همه دیدگاهها نوعی انفعال، واکنش و تأویل‌گرایی مشهود است و کمتر با ابتکارات عمیق فلسفی و معرفت‌شناختی مواجهیم.

در دهه اول انقلاب، همراهی خوبی بین بدنه دانشگاه و گفتمان حاکم در پذیرش ایده اسلامی کردن دانشگاه وجود داشت. در دهه‌های بعد و با ظهور اندیشه‌های جدید در سپهر فرهنگی جامعه ایران، برخی از مفاهیم و نشانه‌های مورد تأیید نظام با چالش مواجه شد. اسلامی شدن دانشگاه یکی از مفاهیمی بود که از نظر گفتمان حاکم تحقق آن با کندی مواجه بود. به همین دلیل، رهبری انقلاب در اردیبهشت 1375 در دیدار وزیر وقت فرهنگ و آموزش عالی و رؤسای دانشگاهها، نارضایتی خود را از روند موجود اعلام کرد و خواستار تسریع در این روند شد. از آن تاریخ به بعد، بخشی از فعالیتهای پژوهشی پژوهشگران به سفارش نهادهای متولی، حول چستی دانشگاه اسلامی شکل گرفت. به نظر می‌رسید برخی از متولیان امور، عدم پیشرفت برنامه‌های اسلامی شدن را به عدم ایضاح مفهومی آن نسبت می‌دادند و از این رو، تولید ادبیات مرتبط را یکی از راهکارهای موجود دانستند. پژوهشهایی که در این قسمت بررسی شده، بیشتر مربوط به

این دوره‌اند. این پژوهشها به جستارگشایی در خصوص مفهوم اسلامی شدن، به خصوص از منظر دیدگاه امام و رهبری پرداخته‌اند.

بررسی پژوهشهای مرتبط با مفهوم اسلامی شدن دانشگاه، حاوی چند نکته قابل اهمیت است:

اولاً؛ الفاظ، تعابیر و واژگانی که برای تعریف موضوع به کار برده شده، مبهم‌اند و به ارزیابی انتقادی نیاز دارند. تلاشهای صورت گرفته برای ایضاح و شفافیت این مفاهیم نیز اختلاف نظرها را بیشتر نمایان می‌کند. بنابر این، باید پذیرفت که محور نزاع و اختلاف در موضوع اسلامی شدن دانشگاه بسیار متنوع و گسترده است و تلاش برای فهمی استاندارد شده و موجز که در برخی از این پژوهشها نمایان است، در عمل نه تنها کمکی به موضوع نمی‌کند، بلکه راه را برای فهم مشترک از موضوع دشوارتر می‌سازد.

ثانیاً؛ مفهوم‌سازی‌های صورت گرفته طی سالیان گذشته در اجتماعات علمی کشور، به جریان غالب تبدیل نشده است. بنابر این، هرگونه تلاشی در این راستا تا وقتی که بدون پشتوانه بدنه دانشگاهی باشد، حتی اگر سخن صوابی باشد، راه به جایی نمی‌برد.

ثالثاً؛ از مجموع پژوهشهایی که به چستی «اسلامی شدن دانشگاه» پرداخته‌اند می‌توان این استنباط را داشت که در خوشبینانه‌ترین حالت، توصیف قابل قبولی از موضوع ارائه داده‌اند؛ آن هم نه توصیفی فربه، بلکه توصیفی که بیشتر این‌همان‌گویی و فاقد خلاقیت اندیش‌ورزانه است. به عبارت دیگر؛ موافقان اسلامی شدن، در پژوهشهایی که سامان داده‌اند، توجیه معرفتی چندانی برای آن قائل نشده‌اند. آنها نه تصور روشن و دقیقی ارائه کرده‌اند و نه این تصور را برای خودشان مسجل کرده و ساخته و پرداخته‌اند.

بنابر این، اگر اسلامی شدن دانشگاه بخواهد به عنوان یک گفتمان در بدنه جامعه علمی کشور جا بیفتد، باید طرفداران آن بتوانند از یک سو، از مقام توصیف صرف فراتر رفته و به ارائه دیدگاههای تحلیلی قوی بپردازند و از سوی دیگر، راه انتقاد از موضوع را نبندند و موضوع را به تیغ نقد منتقدان بسپارند تا شاهد رشد اندیشه‌های معرفت‌شناسانه در این حوزه باشیم. الزام چنین روندی این است که همه این اتفاقات در بستر دانشگاهی و با گفتگوی مستمر دانشگاهیان صورت پذیرد، نه توسط نهادها یا اشخاص بیرون از دانشگاه. بنابر این، به نظر می‌رسد در سطح مفهومی، موضوع اسلامی شدن از کاستی‌های اساسی رنج می‌برد و تناقضاتی که در سطح نظری و عملی با آن مواجه است، راه را برای موفقیت آن مشکل می‌کند.

3. راهکارها و موانع پیش روی «اسلامی شدن دانشگاه»

برخی از محققان و پژوهشگران موافق اسلامی شدن دانشگاه، بخشی از فعالیتهای پژوهشی خود را به ارائه راهکار و رفع موانع پیش روی موضوع اسلامی شدن اختصاص داده‌اند. یافته‌های مهم این پژوهشها در جدول 5 قابل مشاهده است.

اسلامی شدن دانشگاه در ایران بعد از انقلاب؛ فراتحلیلی از پژوهشها 481

جدول 5: راهکارها و موانع اسلامی شدن

نویسندگان	عنوان یا ایده کانونی	نتایج
توکل یبزاز (1377)	موانع اصلی در مسیر اسلامی شدن دانشگاه	1. طرح انگاره‌های ذهنی ناصواب در خصوص اسلامی شدن دانشگاه. 2. رد انگاره‌های مذکور و نسبت دادن طرح این بحثها به مخالفان اسلامی شدن. 3. رد ادعای تعارض علم و دین و نسبت دادن این ادعا به مخالفان جمهوری اسلامی. 4. اعتقاد به همخوانی میان ارزشهای مورد تأکید دانشگاه و اسلام.
اخوان کاظمی (1383)	راهکارهایی برای اسلامی شدن دانشگاه	1. راه‌اندازی جنبش «تولید نرم‌افزار علمی و دینی» و نظریه‌پردازی در کلیه علوم و معارف دانشگاهی. 2. نهادینه‌سازی خلاقیت علمی و تفکر بالنده دینی و مناظرات آزادانه علمی. 3. تقویت شأن و ارتقای مرتبه نازل فعلی علوم انسانی و تلاش برای تلفیق این علوم و سایر علوم و راه‌اندازی علوم بین رشته‌ای در این مسیر.
فضل الهی و همکاران (1390)	راهکارهای اسلامی شدن و اولویت‌بندی آنها از دیدگاه اساتید	اولویت اول تا سوم به ترتیب عبارتند از: 1. به کارگیری مدیران متعهد و متدین، 2. بازسازی نظام فرهنگی دانشگاهها متناسب با ارزشهای اسلامی، 3. توسعه استقلال فکری و خودباوری علمی اندیشمندان و دانشگاهیان. اولویتهایی که حائز کمترین رتبه بوده‌اند به ترتیب عبارتند از: 1. افزایش واحدهای درسی مربوط به دروس معارف اسلامی در مقاطع تحصیلی دانشگاهها، 2. الزامی شدن رعایت موازین اسلامی در دانشگاهها و حمایت از ارزشهای دینی و معنوی، تفکیک جنسیتی و ...
زراعت (1376)	راهکارهای اسلامی کردن دانشگاهها	1. ایجاد فرهنگ اخلاص و برای خدا تحصیل کردن. 2. تجدید نظر در علمی که اسلام درباره آنها نظریه و اصولی مشخص دارد. 3. تشکیل هیاتی از کارشناسان و متخصصان متعهد و متدین در هر رشته و گروه آموزشی برای نظارت و تأیید جزوات درسی ارائه شده از سوی اساتید. 4. گزینش عقیدتی اساتید، دانشجویان و کارمندان؛ 5. استفاده از مدیران مؤمن و متعهد.
مصباح یزدی (1375)	شیوه‌های اسلامی کردن دانشگاه	1. اسلامی کردن کتابهای درسی، اساتید و برنامه‌ریزی‌ها. 2. اعتقاد به اینکه در این زمینه فعالیت مثبتی انجام نشده است. 3. عمده فعالیت‌های صورت گرفته حول کارهایی چون: نصب اعلامیه، برگزاری نمازجماعت، تعقیبات فلان نماز و... بوده که از اهمیت کمتری برخوردار است.
باقرآبادی (1376)	راهکارهای عملی اسلامی کردن دانشگاه	1. حذف مدیران مسئله‌دار و به کارگیری مدیران متعهد. 2. سپردن امر آموزش به اساتیدی که تخصص و تعهد را توانان دارند، با اعمال گزینش متمرکز. 3. بازنگری در متون درسی به خصوص حوزه علوم انسانی. 4. اصلاح ظواهر دانشگاه.
خان محمدی (1385)	نقد و بررسی اسلامی شدن از منظر سیاستگذاری عمومی	1. بر اساس نتایج پژوهشهای موجود ارکان دانشگاه اسلامی نیست. 2. راهکار اسلامی کردن از منظر سیاستگذاری، ایجاد مدیریت متمرکز است. 3. آسیبهای عمده اسلامی شدن از منظر سیاستگذاری عمومی عبارتند: ابهام در ایده، عدم اجماع بر سر شاخصها، وجود نهادهای موازی، عدم مدیریت واحد و عدم اولویت‌بندی مسائل.
کاشانی (1384)	تبیین و تحلیل سیاستهای آموزش عالی برای تحقق	1. فقدان دیدگاه جامع درباره آموزش عالی اسلامی و چگونگی توسعه آن. 2. افزایش سؤالات در امور اسلامی دانشگاهها. 3. عدم پذیرش نقش پیشبردی دانشگاهها در اشاعه

نویسندگان	عنوان یا ایده کانونی	نتایج
	فضای مناسب اسلامی دانشگاهها	علم اسلامی. 4. ضعف نظام پاسخگویی اسلامی دانشگاهها. 5. ضعف منطبق تبلیغ در دانشگاهها به دلیل استفاده از افراد ناوارد. 6. دور شدن از هدف اصلی دانشگاه (علم آموزی).
مطهری‌نژاد و همکاران (1394)	درآمدی بر تبارشناسی موانع اسلامی شدن دانشگاه در ایران	1. اصلی‌ترین مانع اسلامی شدن دانشگاه غفلت از عدم تطابق هستی‌شناسی و غایت‌شناسی الهی مورد نیاز برای دانشگاه اسلامی است. 2. انقلاب فرهنگی و طرح دانشگاه اسلامی، ماهیتی عارضی بر اصلیت دانشگاه تلقی نمی‌شود، بلکه ماهیت بازگشتی به اصالت دینی و فرهنگی جامعه ایران را در مواجهه با عارضه مدرنیته مورد توجه قرار می‌دهد.

بررسی «راهکارها و موانع اسلامی شدن دانشگاهها»، خط سیر پژوهشی بوده که طرفداران این ایده برای برو رفت از چالشهای پیش روی آن طی سالیان گذشته دنبال کرده‌اند. پژوهشهای مطرح در این حوزه به دو موضوع موانع و راهکارها پرداخته‌اند.

در بررسی موانع، دو دسته بحث مطرح شده است؛ یک دسته پژوهشهایی که نسبت دادن برخی موانع به موضوع اسلامی شدن را «انگاره‌های ناصوابی» تلقی می‌کنند که ساخته ذهن کج‌اندیش مخالفان اسلامی شدن است. این پژوهشها وجود موانعی همچون: برداشت سطحی از موضوع، ایدئولوژیک و جزمی بودن موضوع، تأکید بر علوم حوزوی و نادیده گرفتن علوم دیگر، فاقد کارایی مثبت در جهت رشد و توسعه نظام، تأکید بر ظواهر اسلامی مانند رعایت حجاب و اصلاح روابط دختر و پسر، برخوردهای گزینشی جزم‌اندیشانه برای حذف اساتید دگرنادیش و ... را درک ناصواب عده‌ای از موضوع اسلامی شدن می‌دانند که با اصل آن مخالفت دارند. بنابر این، این دسته از پژوهشها وجود یک «غیر» را که در صدد ناکام کردن اسلامی شدن دانشگاه است مفروض گرفته و مشکلات موجود را ساخته ذهن این غیر می‌دانند نه اصل موضوع. دسته دیگر از پژوهشها با رویکرد واقع‌بینانه و با مطالعات میدانی، برخی موانع واقعی اسلامی شدن دانشگاه را متذکر شده‌اند؛ عدم اجماع بر سر شاخصهای اسلامی شدن، عدم مدیریت واحد در زمینه اسلامی کردن دانشگاه و وجود نهادهای موازی، فقدان دیدگاه جامع درباره آموزش عالی اسلامی و چگونگی توسعه آن، افزایش سؤالات در امور اسلامی دانشگاهها، عدم پذیرش نقش پیشبردی دانشگاهها در اشاعه علم اسلامی، ضعف نظام پاسخگویی اسلامی دانشگاهها، ضعف منطبق تبلیغ در درون دانشگاهها به دلیل استفاده از افراد ناوارد، عدم وجود زمینه‌های لازم برای افزایش مشارکت اسلامی همه دانشجویان، دور شدن از هدف اصلی دانشگاهی؛ یعنی علم آموزی، از جمله مواردی است که این پژوهشها به آن اشاره داشته‌اند.

در بررسی راهکارها نیز چند دسته پیشنهاد مطرح شده است. یک دسته که بیشتر پژوهشهای دو دهه اخیرند، راهکارهایی علمی، مانند «تهادینه‌سازی خلاقیت علمی و ... مناظرات آزادانه علمی»، «تقویت شأن علوم انسانی»، «نظریه‌پردازی در کلیه علوم و معارف دانشگاهی» و ... را مطرح کرده‌اند؛ اما برخی پژوهشهای دیگر که بیشتر مختص دو دهه اول انقلاب‌اند، راهکارهایشان در راستای اصلاح ظاهر دانشگاه

اسلامی شدن دانشگاه در ایران بعد از انقلاب؛ فراتحلیلی از پژوهشها 483

است. «اصلاح ظواهر دانشگاه»، «حذف مدیران مسئله‌دار»، «گزینش عقیدتی، سیاسی...»، «نظارت بر جزوات درسی اساتید»، «به‌کارگیری مدیران متعهد و متدین» و ... از جمله این راهکارهاست. به‌طور کلی نقدی که به برخی از این پژوهشها، به‌ویژه دسته دوم - که بعضاً در سالیان اخیر هم به صورت جسته و گریخته مطرح می‌شود - وارد است را می‌توان در سه نکته خلاصه کرد:

اولاً؛ بخش عمده‌ای از راهکارهای ارائه شده غیر واقع‌بینانه‌اند و بعضاً با نتایج تحقیقات و پیمایشهایی که توسط نهادهای متولی صورت گرفته، همخوانی ندارند. برای مثال، در برخی پژوهشها بر «افزایش واحدهای دروس معارف اسلامی» به‌عنوان راهکار مناسب تأکید شده! در حالی که یافته‌های پیمایشهای مرتبط نشان می‌دهد راهکار یادشده از نظر کنشگران دانشگاه، کم‌اثرترین راهکار محسوب می‌شود.¹

ثانیاً؛ در برخی راهکارهای پیشنهادی، ساحت سیاسی بر ساحت علمی و منطبق بر عرف جامعه دانشگاهی می‌چربد و به همین دلیل، برخی از منتقدان بر این باورند که موضوع اسلامی کردن دانشگاه نه یک حرکت علمی، که حرکتی سیاسی است و با منطق علم و دانشگاه همخوانی ندارد. برای مثال، تأکید بر «گزینش عقیدتی سیاسی اساتید، دانشجویان و کارمندان»، به نظر بسیاری از حتی موافقان اسلامی شدن، کاری بیهوده است؛ زیرا دانشگاه، محل تضارب آرا و حتی آرای رقیب و مخالف است و نبود این تضارب آراء، دانشگاه را با رکود معرفتی مواجه می‌کند.

ثالثاً؛ برخی از راهکارهای ارائه شده دچار نقصان در تحلیل‌اند. برای مثال، برخی پژوهشها بر اصلاح ظاهر دانشگاه یا تربیت افراد متشجع به شریعت در دانشگاه تأکید دارند. در حالی که روی این پیشنهاد تأکید می‌شود که به اعتقاد منتقدان و حتی برخی صاحب‌نظران موافق اسلامی کردن، چنین کاری عبث است؛ زیرا دانشگاه بخشی از جامعه است و اگر جامعه هویت اسلامی داشته باشد، طبیعتاً دانشگاه نیز هویتی اسلامی به لحاظ ظواهر خواهد داشت. این دسته به جای اصرار بر اسلامی کردن ظاهر دانشگاه، بر نهادینه شدن یک جامعه با ویژگی‌های اسلامی تأکید می‌کنند که نتیجه و برآیند آن به‌طور طبیعی می‌تواند دانشگاهی با معیارهای اسلامی باشد.

در مجموع، همان‌طور که اشاره شد، در دو دهه اخیر شاهد پژوهشهای زیادی بوده‌ایم که راهکارهایی جامع، علمی و متناسب با عرف دانشگاهی در خصوص اسلامی شدن دانشگاه پیشنهاد داده‌اند که نشان از درکی واقع‌بینانه و مثبت در این خصوص است. اما به موازات آن، تلاشهایی هم برای ارائه پیشنهادهایی که

1. برای مثال، در یکی از پژوهشها (فضل‌الهی و زمانی، 1390) که اولویت‌بندی راهکارهای اسلامی شدن از دیدگاه اساتید بررسی شده، «افزایش واحدهای درسی مربوط به دروس معارف اسلامی در مقاطع تحصیلی دانشگاهها» از میان 15 اولویت پیشنهادی، رتبه آخر را به خود اختصاص داده و به‌عنوان کم‌اثرترین راهکار برای اسلامی شدن دانشگاهها شناخته شده است.

484 ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی 73

بعضاً در گذشته به آزمون گذاشته شده‌اند و ناکارآمدی آنها سیاستگذاران را مجاب به تغییر آن کرده است، نیز شاهدیم؛ این تأکید مجدد بر سیاستهای ناکارآمد آموخته شده نمی‌تواند دستاورد مطلوبی داشته باشد.

4. امکان و ضرورت اسلامی شدن

بررسی امکان، امتناع و ضرورت اسلامی شدن دانشگاه منازعه‌ای بوده که موافقان و مخالفان اسلامی شدن در پژوهشهای خود در بعد از انقلاب دنبال کرده‌اند. جدول 6، حاوی فهرستی از این پژوهشها و مهم‌ترین یافته‌هایی است که آنها مطرح کرده‌اند.

جدول 6: امکان و ضرورت اسلامی شدن

نویسندگان	عنوان یا ایده کانونی	نتایج
ملکیان (1378)	تأملاتی در باب امکان و ضرورت اسلامی شدن	1. فائق آمدن دانشگاه اسلامی بر همه مسائل نظری و مشکلات عملی شرط لازم امکان تحقق آن است. 2. این مسائل و مشکلات به دلیل وجود قرائتهای متفاوت از اسلام، اگر نگوییم محال، حداقل بسیار دشوار است. 3. اسلامی کردن علوم و معارف توصیفی بشر نه ممکن و نه مطلوب است. 4. جامعه امروز ما نیازمند دانشگاه معنوی است تا اسلامی.
مختاری و همکاران (1390)	امکان بومی‌سازی یا اسلامی‌سازی در ساحت جهانی شدن دنیای امروز	1. بسته بودن، منقطع بودن و جزیره‌ای مستقل زندگی کردن کمکی به علوم انسانی در ایران نخواهد کرد. 2. نه رویکرد صرف تمسک به علوم تحصیلی یا سکولار کارساز است و نه بهره‌جویی صرف از متون مذهبی. 3. تأکید بر رویکرد تلفیقی (تحولات جهانی و سنتهای بومی)
قیادی (1378)	دانشگاه اسلامی از رهگذر نزاع «سنت و تجدد»	بررسی امکان و امتناع ایده دانشگاه اسلامی از رهگذر چهار دیدگاه: تجددگرا، پست‌مدرن، روشنفکر دینی و سنت‌گرا. 1. تجددگرایان: عدم امکان طرح ایده اسلامی شدن به دلیل ناتوانی سنت در رویارویی با مسائل دنیای جدید، الگوی غربی دانشگاه ایده‌آل‌ترین شکل است؛ دانشگاه اسلامی در ایده و نظر ممتنع و در عمل محال است. 2. دیدگاه پست‌مدرن: تأکید بر بومی کردن علوم به خصوص علوم انسانی؛ علم دینی از هر لحاظ قابل طرح است. 3. روشنفکر دینی: این دیدگاه به امکان تحقق ایده دانشگاه اسلامی به عنوان نماد همنشینی سنت و تجدد می‌اندیشد؛ اعتراض به رهیافت فرمیتی و ظاهرگرایانه در روند اسلامی‌شدن؛ تفاوت قائل شدن بین دو ایده اسلامی کردن و اسلامی شدن. 4. سنت‌گرایان: تحقق‌پذیر دانستن امکان دانشگاه اسلامی.
سوزنجی (1387)	امکان علم دینی؛ بحثی در چالشهای فلسفی	1. ورود گزاره‌های دینی به عرصه علوم، منافاتی با حیث معرفتی علوم ندارد. 2. مفهوم «علم دینی» نه از حیث «علم» بودن و نه از حیث «دینی» بودن، به هیچ تناقض و ناسامانی‌ای مبتلا نمی‌باشد. 3. با توجه به امکان علم دینی، مسیر معقولی برای پروژه

اسلامی شدن دانشگاه در ایران بعد از انقلاب؛ فراتحلیلی از پژوهشها 485

نویسندگان	عنوان یا ایده کانونی	نتایج
	اسلامی سازی علوم انسانی	اسلامی کردن علوم انسانی باز می‌شود.
افتخاری (1387)	مبادی معرفتی و روش تحقیق دانشگاه اسلامی	1. امکان تحقق دانشگاه اسلامی با توجه به الگوی عملیاتی شده در دانشگاه امام صادق وجود دارد. 2 علم در یک جامعه دینی بدون ابتدا بر ارزشهای دینی امکان توسعه ندارد.
خواجهمسروی (1387)	دانشگاه اسلامی به مثابه راهبرد فرهنگی جمهوری اسلامی ایران	1. با توجه به سابقه علمی نهادهای جمهوری اسلامی در حل مشکلات جامعه، امتناع نظری شکل‌گیری دانشگاه اسلامی چندان پایه و اساسی ندارد. 2. همان‌طور که یک جامعه در کلیت خود می‌تواند اسلامی باشد اجزای آن نیز می‌تواند اسلامی باشند.
باقری (1378)	امکان و فرایند تکوین دانش در علوم انسانی بر اساس اندیشه اسلام	1. امکان تکوین دانش در علوم انسانی، بر اساس اندیشه اسلام. 2. مضامین متفاوتی در اندیشه اسلامی درباره انسان و اعمال وی وجود دارد که می‌توان از آنها در پی‌ریزی جهت‌گیری خاصی در علوم انسانی استفاده کرد.
بستان (1378)	امکان اسلامی‌شدن علوم انسانی	1. رد پیش‌فرض تمایز دانش و ارزش. 2. اسلام قابلیت تأثیرگذاری بر علوم انسانی را دارد. 3. تأکید بر امکان ابداع علوم انسانی اسلامی، با توجه به جامعیت دین اسلام. 4. اندیشه‌ای که قلمرو علم را از قلمرو دین و ایدئولوژی جدا می‌کند، باطل است.
نبوی (1380)	ضرورت، امکان یا امتناع اسلامی شدن	قائل به امکان و ضرورت اسلامی شدن.

بررسی «امکان، امتناع و ضرورت اسلامی شدن دانشگاه» از سوی پژوهشگران، نشان از منازعه گفتمانی است که حول این موضوع شکل گرفته است. دیدگاههای مختلفی در این باره مطرح شده است. دسته‌ای از پژوهشها که نویسندگان آنها دیدگاه نزدیک‌تری به گفتمان رسمی دارند، بر «ضرورت» اجرای چنین طرحی در دانشگاه تأکید می‌کنند. «ضرورت‌اندیشان» در توجیه دیدگاه خود، بر نکاتی چون: «یک جامعه دینی بدون ابتدا بر ارزشهای دینی امکان توسعه ندارد»، «دانشگاه در فرم غربی آن در شرایط کنونی برای کشور ما راهگشا نیست»، «علوم انسانی غربی نسبتی با جامعه اسلامی ما ندارد»، «دانشگاه در غرب ماهیتی مادی‌گرایانه و دنیوی دارد» و ... تأکید می‌کنند. در عمل نیز این دسته قائل به «حفظ ظاهر اسلامی دانشگاه»، «گزینش عقیدتی اساتید و دانشجویان»، «اسلامی کردن کتابهای درسی»، «تأکید بر به کارگیری مدیران متعهد و متدین» و ... دارند.

دسته‌ای دیگر از پژوهشها، تنها بر «امکان» اسلامی شدن تأکید دارند. «امکان‌اندیشان» دیدگاههای متفاوتی در خصوص اسلامی شدن دارند؛ یک دسته روشنفکران دینی‌اند که اگرچه به امکان تحقق ایده دانشگاه اسلامی به عنوان نماد هم‌نشینی سنت و تجدد می‌اندیشند، اما به رهیافت رفرمیستی و ظاهر‌گرایانه در روند اسلامی شدن اعتراض دارند و بین دو مفهوم اسلامی کردن و اسلامی شدن، تفاوت قائل می‌شوند. به

اعتقاد آنان؛ اسلامی کردن، روندی از برون و از طریق حکومت و اسلامی شدن، فرایندی درونی و طبیعی و تدریجی و از روی علاقه است. این گروه بر تشکیل دانشگاهی با شاخصهای معنوی تأکید دارند و مطلوبیت دانشگاه را در دو بُعد علمی و معنوی بودن می‌دانند، نه اسلامی و مسیحی بودن و ... بنابر این، آنها اسلامی شدن در شکل کنونی آن را قابل دفاع نمی‌دانند. دسته دیگر سنت‌گرایان‌اند. شاخصه این گروه بذل توجه به نظام تربیتی در کنار نظام آموزش و پژوهش در دانشگاه است؛ اما ضعف عمده آنان، شفاف نبودن چگونگی این پیوند در عمل است. این گروه برای تأیید مدعای خود به الگوی دانشگاه امام صادق اشاره می‌کنند و معتقدند با توجه به سابقه نهادهای آموزش عالی در جمهوری اسلامی، به خصوص تجربه دانشگاه امام صادق، دانشگاه رضوی، دانشگاه مفید و ... امکان تحقق دانشگاه اسلامی وجود دارد.

علاوه بر پژوهشهایی که از «ضرورت» و «امکان» اسلامی شدن سخن می‌گویند، برخی صاحب‌نظران معتقد به «امتناع» آن می‌باشند. این دسته، اسلامی کردن علوم و معارف توصیفی بشر را نه ممکن و نه مطلوب می‌دانند. از نظر آنان، امکان طرح ایده اسلامی شدن به دلیل ناتوانی سنت در رویارویی با مسائل دنیای جدید وجود ندارد. این گروه، الگوی غربی دانشگاه را ایده‌آل‌ترین شکل آن دانسته، اسلامی کردن و بومی کردن را قلب ماهیت دانشگاه می‌دانند. همچنین بر اساس دیدگاه آنان، از آنجا که روش علمی عاری از ارزش است، دانشگاه اسلامی در ایده و نظر، ممتنع و در عمل محال است.

5. اسلامی شدن؛ ایدئولوژی و قدرت

اگر چه دینی کردن علم در معنای عام آن و اسلامی کردن در معنای اخصی آن، ایده‌ای بود که در اوایل انقلاب اکثر انقلابیون بر آن توافق داشتند، اما بر سر چگونگی آن اختلاف نظر وجود داشت که این اختلاف، بعدها با از سرگیری برنامه‌ها و فعالیتهای اسلامی شدن، بیشتر آشکار شد. منتقدان که بخش عمده آنها روشنفکران دینی و دانشگاهی کشور بودند، دانشگاه اسلامی را اساساً مفهومی سیاسی می‌دانستند تا معرفتی.

علاوه بر این گروه، برخی از روشنفکران ایرانی خارج از کشور و حتی محققان خارجی نیز به گونه‌ای دیگر به بررسی رابطه دانش و قدرت در ایران بعد از انقلاب پرداخته‌اند. در مجموع، با وجود اختلاف دیدگاههای این دو گروه، نقطه اشتراک آنها وجه انتقادی نسبت به موضوع است. جدول 7، حاوی فهرستی از این پژوهشها و مهم‌ترین یافته‌هایی است که در آنها مطرح شده است.

اسلامی شدن دانشگاه در ایران بعد از انقلاب؛ فراتحلیلی از پژوهشها 487

جدول 7: اسلامی شدن؛ ایدئولوژی و قدرت

نویسندگان	عنوان یا ایده کانونی	نتایج
گلکار (1388)	بررسی رابطه دولت و دانشگاه در ایران پس از انقلاب	1. موفقیت حاکمیت در همراهی دانشگاه با سیاستهای خود در دهه اول انقلاب. 2. ناکامی دولت در امر اسلامی سازی دانشگاهها و تبدیل آن به دستگاه ایدئولوژیک در دهه دوم و سوم.
نظری و حسن پور (1391)	فرهنگ، قدرت و معنا در نظام آموزشی جمهوری اسلامی	1. ساختار قدرت در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مفهوم منتشر شده ای از فرهنگ است که درون تمام ساختارهای سیاسی و اجتماعی حضور دارد. 2. این نوع از فرهنگ با نظام آموزشی و نوع خاصی از تعلیم و تربیت در پیوند است. 3. فرهنگ، نظام ارزشی و ایدئولوژی که در نظام آموزشی دانشگاه توسط گفتمان همون بسط داده می شود، نقش مؤثری در ایجاد، حفظ و تداوم قدرت در نظام جمهوری اسلامی ایران دارد.
فراستخواه (1383)	دانشگاه و مسئله اسلامی شدن	1. اسلامی شدن دانشگاه گفتمانی ماورایی و فراتاریخی نیست. 2. اسلامی کردن نتیجه غلبه گفتمان اسلام گرایی و تفوق آن در برابر گفتمان غرب گرایی بود. 3. در ساختار درونی این گفتمان نوعی نقاط و دوگانگی وجود دارد. 4. وجود این دوگانگی سبب حداقل انسجام و شفافیت معنایی این گفتمان شده. 5. عدم فرصت کافی برای بررسی و آزمون این گفتمان و اجرای سریع آن به صورت طرحی دولتی، موجب تحمیل هزینه هایی هم برای اصلتهای دینی و هم کارکردهای جدید دانشگاهی شد.
نوح (1378)	ایدئولوژیک کردن علم با نگاهی به وضعیت علوم اجتماعی در ایران بعد از انقلاب	1. سرنوشت علم در ایران پس از انقلاب دچار افت و خیزهای ارزشی فراوانی شده است. 2. علم، به ویژه علوم انسانی در جامعه معاصر ایران نه حامل ارزش خاصی است، نه در حیطه های کاربردی و مدیریتی جامعه مسئولیت خاصی دارد. 3. در ایران بعد از انقلاب، در حوزه علوم انسانی عموماً و علوم اجتماعی خصوصاً، بیشترین ملاحظات ایدئولوژیک دینی، متوجه آنان بوده است.
نیکفر (1394)	تیره و تیره و بهروزی علوم انسانی در ایران	1. حکومت جمهوری اسلامی تبیین هستی انسانی و تصمیم گیری درباره آن را حق انحصاری ایدئولوژی خود دانسته؛ از این رو، علوم انسانی همواره آماج حمله های حکومت دینی است. 2. «علوم انسانی اسلامی» سازی ایدئولوژیک - امنیتی - اقتصادی است.
تاجیک (1383)	شورش دانشهای تحت انقیاد	1. با وقوع انقلاب اگرچه تولید و بازتولید علمی، از انقیاد «قدرت حاکم» خارج شد، اما در چنبره «قدرتهای گفتمانی» دیگر گرفتار شد؛ 2 در ایران بعد از اسلام، شاهد ظهور یک فراگفتمان همزمنی طلب هستیم. 3. اگرچه ردپا و آثار چنین فراگفتمانی در فضای معرفی ایران بعد از انقلاب مشاهده می شود، اما اولاً نمی توان حکم به «تسلط و سیادت» آن داد؛ ثانیاً نمی توان رابطه میان قدرت و دانش در گستره آن را، صرفاً یک رابطه یک سویه تحلیل کرد؛ زیرا در دوران پس از انقلاب، شاهد رشد تمایلات دین شناختی نظری و علمی هستیم.
معیاب (1991)	«دولت و دانشگاه: انقلاب فرهنگی اسلامی در نهادهای آموزش عالی ایران (87-1980)»	1. انقلاب فرهنگی یک پروژه سیاسی برای خارج کردن اپوزیسیون از دانشگاهها به منظور ادغام در درون دولت اسلامی بود. 2 انقلاب فرهنگی، با وجود اصلاحات اساسی، در عمل شکست خورده است و دانشگاهها در غیاب آزادی سیاسی و آکادمیک، در اهداف کارکردی، روشهای یادگیری و یاددهی و برنامه درسی تغییر نیافته اند. 3. همه فرایندهای تأسیس، سرمایه گذاری و مدیریت دانشگاه در ایران به وسیله دولت صورت می گیرد. با وجود این کنترل، دانشگاهها مرکز اصلی تضاد و طغیان در برابر دولت بوده اند.
ساکورای (2004)	بررسی مسئله کنکور در ایران و ارتباط آن با امر اسلامی سازی دانشگاه	1. کنکور از اوایل انقلاب به یکی از ابزارهای مهم دولت در اسلامی سازی دانشگاه تبدیل شده است. 2. این ابزار به عنوان فیلتری برای جداسازی دانشجویان طرفدار و منتقد نظام در آمد. 3. برای دولت عملاً کنکور نه تنها یک امتحان ساده، بلکه گذرگاهی بود که امکان کنترل داوطلبان ورود به دانشگاه را مهیا ساخت.

نویسندگان	عنوان یا ایده کانونی	نتایج
Malte Espahangizi (2010)	معرفت‌شناسی کاربردی و «ساخت علم» در جمهوری اسلامی ایران	1. نگاهی به فراز و فرود دولت ایران در اسلامی کردن علم و آموزش از سال 1979 نشان می‌دهد که تصمیمات سیاسی یا کاملاً بی‌اثر شده‌اند یا به شکل ایدئولوژیک درآمدند. 2. پاکسازی دانشگاهها به منظور مقابله با غربی‌شدن، نه در خاموش کردن تفکر انتقادی موفق بود و نه در تعویض عقلانیت غربی در مباحث علمی. 3. روند رشد کمی و کیفی تحقیقات علمی که پیشرفت آن مورد ادعا بوده، دقیقاً بر خلاف آنچه در دیگر کشورهای اسلامی است، در حال رخ دادن است.
رضوی (2009)	انقلاب فرهنگی در ایران و تأثیر آن روی جنبش دانشجویی	1. در بعد از انقلاب به جز دوره کوتاهی (1357 تا 1359)، فعالیتهای سیاسی مستقل کمتری از دانشجویان دانشگاه تا سال 1376 شاهد بودیم. 2. دوره اصلاحات نقش مهمی در استقلال بیشتر به جنبشهای دانشجویی داشت. 3. سیاستهای رادیکال دولت احمدی‌نژاد و اعتراضات جنبش دانشجویی به این سیاستها، فضای بسیاری از دانشگاهها را تحت تأثیر قرار داد. 4. منازعه بین حاکمیت و جنبش دانشجویی اثرات زیادی روی جامعه ایران خواهد داشت.

مسئله اسلامی‌شدن دانشگاه و بررسی آن از منظر رابطه دانش و قدرت، به دلیل ماهیت انتقادی و زاویه آن با خوانش رسمی، با احتیاط و به شکل غیر صریح در پژوهشهای صاحب‌نظران کشورمان بررسی شده است. این نوع روایت، بسته به فضای گفتمانی حاکم بر کشور به لحاظ سیاسی، با فراز و فرود همراه بوده است. با این وجود، تمایل برای نقد ساحت‌های غیر معرفتی دانشگاه اسلامی و شالوده‌شکنی معانی پنهان آن، یکی از محورهای پژوهش مرتبط با دانشگاه در بعد از انقلاب است. نقطه عزیمت چنین نقدهایی، ماهیت آن چیزی است که به نام اسلامی‌کردن در بعد از انقلاب در دانشگاههای کشور دنبال شده است. گزاره‌هایی که این پژوهشها در ادعاهای خود دال بر ایدئولوژیک بودن و رابطه این موضوع با قدرت بدان اشاره کرده‌اند را می‌توان در دو نکته خلاصه کرد: اول اینکه؛ ساختار قدرت در ایران بعد از انقلاب، بر مفهوم فراگیری از فرهنگ استوار است که در تمام ساحت‌های سیاسی و اجتماعی و به خصوص نظام آموزشی در پیوند است. دوم اینکه؛ اسلامی‌شدن دانشگاه نه گفتمانی ماورایی، بلکه برساختی تاریخی است که در دوره‌ای و توسط گروه خاصی طرح و دنبال شده است. بنابر این، از نظر این پژوهشها، در ماهیت تاریخی بودن موضوع و ارتباط تنگاتنگ آن با قدرت تردیدی نیست. این پژوهشها بر این جنبش وضعیتی برای دانشگاههای کشور را مطلوب ندانسته و ارزیابی‌هایی که انجام داده‌اند، نشان می‌دهد حاکمیت در امر اسلامی‌سازی ناکام بوده و در نتیجه تضعیف چهره ایدئولوژیک نظام به دلیل تحولات سیاسی و اجتماعی داخل و روند تحولات جهانی، بازتولید ایدئولوژی نظام از طریق نهاد دانشگاه با چالش مواجه شده است. در این پژوهشها می‌توان چند جهت‌گیری فکری نسبت به اسلامی‌کردن استنباط کرد. با وجود نقطه اشتراک همه آنها در این نکته که ماهیت آنچه به عنوان اسلامی‌کردن دنبال شده، پیوند نزدیکی به قدرت حاکم دارد، اما نقاط تمایزی نیز در دیدگاههای مطرح شده دیده می‌شود؛ از جمله اینکه برخی از این پژوهشها فقط در مقام توصیف موضوع برآمده‌اند و ماهیت آنچه از نظر خود ایدئولوژیک خوانده‌اند را بر ملا کرده‌اند. نقد جدی به این پژوهشها، عدم ارائه راه‌حلهای علمی و آلت‌ناتیو مناسب برای دانشگاه در

اسلامی شدن دانشگاه در ایران بعد از انقلاب: فراتحلیلی از پژوهشها 489

جامعه‌ای است که هم دغدغه دین دارد و هم برای توسعه خود ناگزیر از پذیرش نهادهای مدرنی مانند دانشگاه است.

دسته دوم، پژوهشهایی اند که توسط روشنفکران و صاحب‌نظران خارج از کشور دنبال شده است. این پژوهشها با رویکرد اقتصاد سیاسی، اسلامی شدن دانشگاه را سازه‌ای امنیتی و اقتصادی دانسته، به دلیل عدم اشراف و اطلاع دقیق از فضای دانشگاهی کشور، در تحلیلهای خود بعضاً مصادیق غیر واقع‌بینانه را آورده و با پررنگ نشان دادن برخی ضعفهای موجود، چنین شرایطی را به کل دانشگاههای کشور نسبت داده و تحولات مثبت نظام آموزش عالی در ایران بعد از انقلاب را نادیده می‌گیرند.

دسته سوم پژوهشهایی اند که گرچه به روند تحولات و ماهیت اسلامی کردن نقد جدی دارند، اما این نقد را با رویکرد سازنده و با ارائه راههای مناسب طرح کرده و در تحلیلهای خود از وجوه سازنده و مثبت آنچه در دانشگاههای بعد از انقلاب اتفاق افتاده، غافل نیستند. این خط پژوهشی بیشتر در بین روشنفکران دینی و دانشگاهی کشورمان قابل مشاهده است و دستاوردهای معرفتی و مدیریتی سودمندی نیز داشته است. این صاحب‌نظران که وجود دانشگاهی با شاخصهای «معنوی و اسلامی» را قابل انکار نمی‌دانند، معتقدند اسلامی شدن نه در قالب یک الگوی عملیاتی مداخله‌ای، که باید به صورت حمایت از اهداف اسلامی در دانشگاهها دنبال شود. همچنین از نظر این گروه، در دوران پس از انقلاب شاهد سیطره همه‌جانبه یک ایدئولوژی خاص در نظام دانشگاهی نبوده‌ایم، بلکه رشد تمایلات دین‌شناختی نظری و عملی، یکی از این دستاوردهای مهم بوده که بسترساز ترویج فهم همدلانه به جای فهم خاص از دین شده است.

(د) بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های پژوهشهای موجود، نمی‌توان تصویری واحد و یکسان از موضوع اسلامی شدن دانشگاه در بعد از انقلاب ارائه داد. ماهیت انجام این کار به گونه‌ای بوده که در دوره‌های مختلف زمانی، سیاستها و برنامه‌های متفاوتی به اجرا درآمده است. انعکاس این تفاوتها را می‌توان در پژوهشهای بعد از انقلاب مشاهده کرد. برای مثال، جهت‌گیری پژوهشهای دو دهه اول انقلاب با پژوهشهای دو دهه اخیر متفاوت است؛ در دو دهه اول بر راهکارهایی مانند «اصلاح ظواهر دانشگاه»، «حذف مدیران مسئله‌دار»، «گزینش عقیدتی، سیاسی...»، «ظنارت بر جزوات درسی اساتید»، «به کارگیری مدیران متعهد و متدین» و ... تأکید می‌شد، اما در دو دهه اخیر شاهد پژوهشهای زیادی بوده‌ایم که راهکارهایی جامع، علمی و متناسب با عرف دانشگاهی در خصوص اسلامی شدن دانشگاه پیشنهاد داده‌اند؛ که نشان از درک واقع‌بینانه و مثبت در این خصوص است. گذشته از این، نهادهای متولی موضوع اسلامی شدن دانشگاه مانند «شورای عالی انقلاب فرهنگی»، «نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاهها»، «معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و

فناوری» و دیگر دستگاههای مسئول، در دو دهه اخیر اقدام به انجام پژوهشهایی با هدف «سنجش و ارزیابی» موضوع کرده‌اند که در نگاه اول، می‌توان آنها را اقدامی مؤثر برای رفع کاستی‌های احتمالی و ماهیت آنچه در دانشگاه می‌گذشت تلقی کرد، گرچه کمتر شاهد اصلاح رویه‌ها متناسب با نتایج و خروجی این پژوهشها شاهد بوده‌ایم. به عبارتی؛ اگرچه ضرورت انجام پژوهشهای «ارزیابانه» و سنجش نگرش دانشجویان در خصوص اسلامی شدن دانشگاه از سوی نهادهای رسمی متولی این موضوع، مداخله‌ای علمی و دقیق بوده است، اما استفاده کمتر از نتایج این پژوهشها در اصلاح «روندها» و «رویه‌ها»، چالشی است که همچنان باید برای رفع آن تلاش کرد.

نکته دیگری که در این بررسی می‌توان به آن اذعان داشت، انعکاس منازعه بین مخالفان و موافقان اسلامی شدن دانشگاه در پژوهشهای بعد از انقلاب است. اسلامی کردن دانشگاه مانند برخی دیگر از مفاهیم و پدیده‌ها، اگرچه در دهه اول انقلاب محل منازعه کمتری بود؛ اما به تدریج و در ادامه، محل منازعه و تعاطی افکار گروههای مختلف سیاسی و اجتماعی شد. بخشی از پژوهشهای بعد از انقلاب در حوزه یادشده به این موضوع پرداخته‌اند. در دهه 80 و با فروکش کردن موج آرمان‌خواهی ابتدای انقلاب، تحت تأثیر ظهور اندیشه‌های جدید در سپهر فرهنگی جامعه ایران، برخی از مفاهیم و نشانه‌های مورد تأیید نظام با چالش مواجه شد. اسلامی شدن دانشگاه یکی از آن مفاهیمی بود که از نظر گفتمان حاکم، تحقق آن با کندی مواجه بود. به همین دلیل، رهبری انقلاب در اردیبهشت 1375 در دیدار وزیر وقت فرهنگ و آموزش عالی و رؤسای دانشگاهها، نارضایتی خود را از روند موجود اعلام کرد و خواستار تسریع در این روند شد. از آن تاریخ به بعد شاهد پدیدایی خط سیر پژوهشی هستیم که حول چستی، ضرورت، راهکارها و موانع اسلامی شدن شکل گرفت. خروجی این پژوهشها که در قالب کتاب، مقاله، یادداشت، طرح پژوهشی و ... قابل احصاست، اگرچه به بسط مفهومی موضوع انجامید، اما همان‌طور که در متن مقاله به طور مفصل اشاره شد، این خط سیر پژوهشی نتوانست بر چالشهای پیش روی موضوع اسلامی شدن فایز آید. عدم شفافیت و ایضاح مفهومی، تفسیر سیاسی از موضوع، مبذل نشدن تفسیر این دسته از پژوهشها به جریان غالب در اجتماعات علمی، عدم ارائه فهمی استاندارد شده از موضوع، متوقف ماندن در مرحله توصیف پدیده، کم‌سو بودن نگاه معرفتی و ...، برخی از مشکلات این پژوهشها بود. البته در این دوره شاهد معدود پژوهشهایی نیز بودیم که با رویکرد آسیب‌شناسانه به ارائه راهکارهایی بدیع پرداختند، اما این پژوهشها جریان غالب نبودند.

گذشته از پژوهشهایی که رویکرد همسوتر و همدلانه‌تری به بحث اسلامی شدن دانشگاه داشتند، شاهد پژوهشهایی با رویکرد نقد و مخالفت نیز بوده‌ایم. این پژوهشها از منظر رابطه قدرت و دانش به موضوع نگاه کرده، ماهیت انتقادی آنها بر وجه دیگر غلبه داشت. البته پژوهشهای مذکور دارای نقاط تمایزی نیز با هم بودند. یک دسته که عمدتاً آثار روشنفکران و صاحب‌نظران خارج از کشور - ایرانی یا غیر ایرانی - بودند، با

اسلامی شدن دانشگاه در ایران بعد از انقلاب؛ فراتحلیلی از پژوهشها 491

رویکرد اقتصاد سیاسی به نقد اسلامی شدن دانشگاه پرداخته‌اند. ضعف عمده این دسته از پژوهشها، سوگیری در تحلیل به دلیل عدم اشراف و اطلاع دقیق از فضای دانشگاهی و تحولات مثبت نظام آموزش عالی در ایران بعد از انقلاب است. دسته دیگر، خط سیر پژوهشی است که روشنفکران دینی و دانشگاهی داخل دنبال کرده‌اند. این دسته از پژوهشها با تأکید بر وجوه سازنده و مثبت تحولات آموزش عالی بعد از انقلاب و تلاش برای تحقق دانشگاهی با شاخصهای «معنوی و اسلامی»، الگوی مداخله‌ای در ساز و کارهای دانشگاه را مطلوب نمی‌دانند.

در مجموع، بررسی پژوهشهای بعد از انقلاب در خصوص اسلامی شدن دانشگاه، حاوی چند نکته اساسی است که در قالب پیشنهاد برای نهادهای متولی این حوزه ارائه می‌شود:

- پژوهشهای مرتبط با «سنجش گرایش» که اکثراً به سفارش نهادهای متولی انجام شده، تصویری نسبتاً واقعی از نتایج و تأثیرات این سیاست منعکس می‌کنند. توجه به خروجی این پژوهشها و اصلاح «روندها» و «رویه‌ها» بر اساس نتایج تحقیقات صورت گرفته اگرچه با بی‌اعتنایی کامل مواجه نبوده، اما در وضعیت رضایت‌بخشی هم نیست. اقدام به انجام این تحقیقات از سوی نهادهای متولی، گامی رو به جلوست، اما همه آنچه باید انجام شود، نیست و این زنجیره باید با اقدامات بعدی تکمیل شود.

- در مجموع، این بررسی نشان می‌دهد سیاستها و برنامه‌های اتخاذ شده در خصوص اسلامی شدن دانشگاه در برخی حوزه‌ها دستاورد مطلوبی نداشته است؛ ضعف در جامعه‌پذیری سیاسی - مذهبی دانشجویان، ضعف در همراهی کنشگران دانشگاهی با سیاست یاد شده، ضعف در اقتناع مخالفان اسلامی شدن، ضعف در ایجاد هویت اسلامی - انقلابی دلخواه و مواردی از این قبیل، نمی‌تواند خروجی مطلوبی برای این سیاست باشد. از این رو، به نظر می‌رسد موضوع اسلامی شدن دانشگاه نیاز به «بازسازی و بازاندیشی» معرفتی و مدیریتی دارد و این امر، مستلزم نقادی حقایق گفتمانی آن و فراتر رفتن از قدسیت‌های برساخته‌ای است که بعضاً حول این موضوع شکل می‌گیرد.

- راه برون‌رفت از چالشهای موجود، رسیدن به فهمی مشترک در خصوص اسلامی شدن دانشگاه است؛ فهمی که اولاً، نقطه‌نظرات همه ذی‌نفعان و کنشگران دانشگاهی در آن لحاظ شده باشد و از تفسیرهای موجز و یک‌جانبه‌گرایانه در آن پرهیز شده باشد؛ ثانیاً، با عرف حاکم بر نهادهای علمی بین‌المللی در تعارض نباشد و ثالثاً، متناسب با ارزشها و نیازهای جامعه اسلامی ایران باشد.



منابع

- ابی‌زاده، فرهاد (1380)، «بررسی جایگاه سیاسی تشکلهای دانشگاهی و دانشجویی در فرایند اسلامی‌شدن دانشگاه-ها از دیدگاه دانشجویان»، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- عبدالمطلب، عبدالله و جعفریان، مسعود (1381)، «الگوهای رفتاری و مذهبی دانشجویان در دوران تحصیل»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال 6، شماره 14.
- آروین، بهاره (1384). بررسی ارتباط میان نهادمند شدن دین و شخصی شدن آن در جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی با تأکید بر دانشجویان دانشگاه تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- اخوان کاظمی، بهرام (1383). «راهکارهایی برای اسلامی شدن دانشگاهها». دانشگاه اسلامی، سال هفتم، ش 18-19.
- افتخاری، اصغر (1387). «ارزش و پژوهش: مبادی معرفتی و روش تحقق دانشگاه اسلامی». ارزش و دانش: مقدمه‌ای بر دانشگاه اسلامی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- اکبری، رضا و یاسین شکرانی (1387). «تأثیر عوامل غیر معرفتی بر اسلامی شدن دانشگاه». ارزش و دانش: مقدمه‌ای بر دانشگاه اسلامی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- باقرآبادی، فرامرز (1376). «راهکارهای عملی اسلامی کردن دانشگاهها». دانشگاه اسلامی، ش 2.
- باقری، خسرو (1378). «جستاری در امکان و فرایند تکوین دانش در علوم انسانی بر اساس اندیشه اسلامی». مجموعه مقالات دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی، جلد دوم. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- بستان، حسین (1378). «امکان اسلامی شدن علوم انسانی». مجموعه مقالات دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی، جلد دوم. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- بی‌نام (1380)، «دیدگاه دانشجویان دانشگاه‌های تهران نسبت به آموزش دینی در دانشگاه»، مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران
- تاجیک، محمدرضا (1383). گفتن، یادگفتن و سیاست. تهران: مؤسسه تحقیقات و علوم انسانی.
- توکلی بزاز، جواد (1377). «دو مانع اصلی در مسیر اسلامی شدن دانشگاه». فصلنامه دانشگاه اسلامی مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ش 4.
- حسینی‌زاده، سید محمدعلی (1386). اسلام سیاسی در ایران. تهران: دانشگاه مفید.
- حلیمی جلودار، حبیب‌الله (1394) جستاری در میزان گرایش دانشجویان به دروس معارف اسلامی و عوامل مؤثر بر آن (نمونه موردی: دانشجویان دانشگاه مازندران)، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی 64، سال نوزدهم، شماره سوم.
- خان‌محمدی، کریم (1385). «بررسی فرایند اسلامی کردن دانشگاهها در ایران (با رویکرد سیاست‌گذاری فرهنگی)». دانشگاه اسلامی، ش 31-32.

اسلامی شدن دانشگاه در ایران بعد از انقلاب؛ فراتحلیلی از پژوهشها 493

- خواجه‌سروی، غلامرضا (1387). «دانشگاه اسلامی به مثابه راهبرد فرهنگی جمهوری اسلامی ایران». ارزش و دانش: مقدمه‌ای بر دانشگاه اسلامی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- داوری، محمدعلی و علی سلیمی (1378). «نظام آموزش عالی، دانشگاه اسلامی و امام خمینی (ره)». دانشگاه اسلامی، ش 4.
- ذاکر صالحی، غلامرضا (1389). تبارشناسی دیدگاهها در زمینه دانش اسلامی: نگاهی تاریخی-اجتماعی در علم بومی، علم جهانی: امکان یا امتناع؟. تهران: جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم.
- رجبزاده، احمد (1379). دانشگاه، دین و سیاست. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
- رزاقی سید ابوالحی، نادر (1378). «اسلامی شدن دانشگاه از دیدگاه امام خمینی». مجموعه مقالات دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی، جلد اول. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- زراعت، عباس (1376). «راههای اسلامی کردن دانشگاهها». دانشگاه اسلامی، ش 1.
- سراجزاده، سیدحسین و جواهری، فاطمه (1382). نگرشها و رفتار دانشجویان. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
- سوزنجی، حسین (1387). «ارزش و علم؛ درآمدی بر علوم انسانی اسلامی». ارزش و دانش: مقدمه‌ای بر دانشگاه اسلامی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- قاضی طباطبایی، محمود و ابوعلی ودادهیر (1389). فراتحلیل در پژوهشهای اجتماعی و رفتاری. تهران: جامعه‌شناسان.
- قبادی، خسرو (1378). «دانشگاه اسلامی از رهگذر نزاع، سنت و تجدد». مجموعه مقالات دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی، جلد اول. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- فراستخواه، مقصود (1388). «دانشگاه و مسئله اسلامی شدن» در دانشگاه و آموزش عالی؛ منظرهای جهانی و مسئله‌های ایرانی، نشر نی.
- فضل‌الهی، سیف‌اله و زمانی ده‌یعقوبی، سید رضا (1390). «راهکارهای اسلامی شدن دانشگاهها و اولویت‌بندی آنها با رویکردی به دیدگاه استادان دانشگاه آزاد واحد قم»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، ش 46.
- کاشانی، مجید (1384). «تحلیل راهکارهای مصوب آموزش عالی برای تحقق فضای اسلامی دانشگاهها». دانشگاه اسلامی، ش 25-26.
- گلکار، سعید (1387). «دولت و دانشگاه در ایران پس از انقلاب»، پایان‌نامه دکتری علوم سیاسی، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

494 ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی 73

- گوردزی، غلامرضا (1387). «دانشگاه اسلامی در چشم‌انداز آینده». *ارزش و دانش: مقدمه‌ای بر دانشگاه اسلامی*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- مختاری، مریم و همکاران (1390). «امکان گفتمان بومی‌سازی یا اسلامی‌سازی در ساحت جهانی‌شدن دنیای امروز». *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، سال پانزدهم، ش 4.
- مجیدی، محمدرضا و فاتحی، ابوالقاسم (1385). «بررسی سنجش تگرش دانشجویان نسبت به برنامه‌ریزی دروس معارف اسلامی» فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، سال دوازده، شماره سوم.
- مشکات، عبدالرسول (1395). از رویکرد دانش‌افزا تا رویکرد تگرش‌ساز (نگاهی آسیب‌شناسانه به کتاب‌های معارف اسلامی و پیشنهاد یک رویکرد راهگشا)، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، 66، سال بیستم، شماره اول.
- مرشدی، ابوالفضل (1384). چندگانه شدن زیست‌جهان دانشجویان و نسبت آن با عرفی شدن آنها: مطالعه موردی دانشگاه صنعتی امیرکبیر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- مطهری‌نژاد، مجید، همایون، محمد هادی و حاتمی، محمدرضا (1394). درآمدی بر تبارشناسی موانع اسلامی شدن دانشگاه‌ها در ایران با تأکید بر مقام سیاستگذاری و برنامه‌ریزی، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی 64، سال نوزدهم، شماره سوم.
- مصباح یزدی، محمدتقی (1375). «شیوه‌های اسلامی کردن دانشگاهها». *نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد*، ش 33-34.
- ملکیان، مصطفی (1378). «تأملاتی چند در باب امکان و ضرورت اسلامی‌شدن». *نقد و نظر*، ش 3-4.
- میرسندهی، سید محمد (1383). *مطالعه میزان و انواع دینداری دانشجویان*. پایان‌نامه دکتری رشته جامعه‌شناسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- نبوی، عباس (1380). «مبانی راهبردی و نظری اسلامی‌شدن دانشگاهها». تهران، شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- نظری، علی‌اشرف و علی‌حسین‌پور (1391). «فرهنگ، قدرت و معنا در نظام آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران». *مطالعات ملی*، ویژه‌نامه ش 1.
- نیکفر، محمدرضا (1394). «تیره‌ورزی و بهروزی علوم انسانی در ایران». *آزادی اندیشه*، ش 1.
- هاشم‌زهی، نوروز (1388). *اسلامی‌سازی دانشگاه و گرایش دانشگاهیان*. تهران: نهاد رهبری.
- هراتی، محمدجواد و سیروس قنبری (1391). «مطالعه میزان مطابقت محتوای ارائه شده در درس انقلاب اسلامی ایران با انتظارات دانشجویان (مطالعه دانشجویان دانشگاه همدان)». *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال اول، ش 2.
- Abdulmutallab, Abdullah and Jafarian, Massoud (2002), "Students' Behavioral and Religious Patterns during Education", *Islamic Republic of Iran Journal of Medical Sciences*, vol. 6, No. 14.
- Abizadeh, Farhad (2001), "The Study of the Political Position of Academic and Student Associations in the Process of Islamicization-Universities from

- the **Perspective of Students**", Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution.
- Akbari, Reza & Yasin Shokrani (2008). "**The Influence of Non-Epistemic Factors on the Islamicization of the University**". In: *Value and Knowledge: Introduction to Islamic University*. Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies, Ministry of Science, Research and Technology.
 - Akhavan Kazemi, Bahram (2004). "**Strategies for the Islamization of Universities**". *Islamic University Quarterly*, Seventh Year, No.18-19.
 - Arvin, Bahareh (2005). **A Survey on the Relationship between the Institutionalization of Religion and its Personalization in the Iranian Society after the Islamic Revolution, with an Emphasis on the Students of the University of Tehran**. A Master's Thesis of the Faculty of Social Sciences of Tehran University.
 - Bagherabadi, Faramarz (1997). "**Practical Methods of Islamicization of Universities**". *Islamic University Quarterly*, No. 2.
 - Bagheri, Khosrow (1999). "**An Investigation into the Possibility and Process of the Evolution of Knowledge in the Humanities Based on Islamic Thought**". In: *Collections of University, Society and Islamic Culture, Volume II*. Tehran: Ministry of Culture and Higher Education.
 - Benam, (1380), "**The Viewpoint of Tehran University Students on Religious Education at the University**", Center for Thought Assessment of Iranian Students
 - Bostan, Hossein (1999). "**The Possibility of Islamicization of the Humanities**". In: *Proceedings of the University, Society and Islamic Culture, Volume II*. Tehran: Ministry of Culture and Higher Education.
 - Davari, Mohammad Ali & Ali Salimi (1999). "**Educational System, Islamic University and Imam Khomeini (RA)**". *Islamic University Quarterly*, No. 4.
 - Eftekhari, Asghar (2008). "**Value and Research; Epistemological Foundations and Methods of Islamic University's Excellence**". In: *Value and Knowledge: Introduction to Islamic University*. Tehran: Research Center for Cultural and Social Studies, Ministry of Science, Research and Technology.
 - Farsatkah, Maghsood (2009), "**University and the issue of Islamization**" in university and higher education; Global perspectives and Iranian issues, publication.
 - Fazlolahi, Seifollah and Zamani Dehighoubi, Seyyed Reza (2011), "**Strategies for Islamicization of Universities and Their Prioritization with a Viewpoint by Professors of the Azad University of Qom**", Islamic Republic of Iran Journal, vol. 46.
 - Ghazi Tabatabai, Mahmoud & Abu Ali Vedadhayer (2010). **Meta-Analysis in Social and Behavioral Research**. Tehran: Sociologists' Publication.

- Ghobadi, Khosrow (1999).“**Islamic University through Quarrels, Tradition and Modernity**”.In: *Collection of Articles of University, Community and Islamic Culture, Volume 1*. Ministry of Culture and Higher Education.
- Golkar, Saeed (2008), "**State and University in Iran after the Revolution**", Ph.D. in Political Science, Tehran: Faculty of Law and Political Science, University of Tehran.
- Goudarzi, Gholamreza (2008).“**Islamic University in the Future**”. In: *Value and Knowledge: Introduction to Islamic University*. Tehran: Research Center for Cultural and Social Studies, Ministry of Science, Research and Technology.
- Halimi Jaldar, Habibullah (1394), **an Investigation into the Rate of Students' Attitudes toward Islamic Education Courses and Its Effective Factors** (Case Study: Students of Mazandaran University), *Epistemological Studies Quarterly in Islamic University* 64, 19th, No.3.
- Harati, Mohammad Jawad & Sirus Ghanbari (2012).**Studying the Content of the Content Provided in the Islamic Revolutionary Lesson of Iran with Student Expectations** (Hamedan University Students Study). *Islamic Revolutionary Journal of Iran*, Year 1, Issue 2.
- Hashim Zehi, Nowruz (2009).**Islamicization of University and Academic Orientation**.Tehran: Leadership Institution.
- Hosseini Zadeh, Seyyed Mohammad Ali (2007). **Political Islam in Iran**. Tehran: Mofid University Press.
- Kashani, Majid (2005). “**An Analysis of Approved Educational Approaches for the Realization of the Islamic Space of Universities**”.*Islamic Republic of Iran Quarterly*, No. 25-26.
- Khajeh Sarvi, Gholamreza (2008).“**Islamic University as a Cultural Strategy of the Islamic Republic of Iran**”. In: *Value and Knowledge: Introduction to Islamic University*. Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies, Ministry of Science, Research and Technology.
- Khan Mohammadi, Karim (2006).“**A Survey on the Islamicization Process of Universities in Iran (Cultural Policy Approach)**”. *Islamic University Journal*, No. 31-32.
- Majidi, Mohammad Reza and Fatehi, Abolghasem (2006), "**Assessment of Students' Attitudes toward Curriculum Planning in Islamic Education**" *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, Year 12, No.3.
- Malekian, Mostafa (1999).“**A Few Reflections on the Possibility and Need for Islamicization**”.*Journal of Review*, No.3-4.
- Malte Espahangizi, Kijan(2010), “**Applied Epistemology and Science-building in the Islamic Republic of Iran, 1979–2010**”: <https://www.wiss.ethz.ch/de/projekte/kijan-malte-espahangizi/applied->

epistemology-and-science-building-in-the-islamic-republic-of-iran-1979-2010.html

- Mesbahe Yazidi, Mohammad Taghi (1996). "**Methods of Islamicization of Universities**". *Journal of the School of Theology and Theology of Mashhad*, No. 33-34.
- Meshkat, Abdul Rasul (1395), **From Student Approach to Attitudes Approach** (A Scientologic Look to Islamic Education Books and a Proposed Approach), *Journal of Cognitive Studies at Islamic University*, 66, 20th, No. 1.
- Mir Sondesi, Seyed Mohammad (2004). **Studying the Degrees and Types of Religiousness of Students**. PhD Thesis of Tarbiat Modares University, Sociology.
- Mojab, Shahrzad (1991). **The State and University: The "Islamic Cultural Revolution" in the Institutions of Higher Education of Iran, 1980-1987**. Phd Thesis. University of Illinois.
- Mokhtari, Maryam & et al. (2011). "**The Possibility of Localization Discourse or Islamisation in the Sphere of Globalization of the World Today**". *Quarterly of Knowledge at Islamic University*, Fifteen, No. 4.
- Morshedi, Abolfazl (2005). **Multiple Universe of Students and their Relationship with their Usualization: A Case Study of Amir Kabir University of Technology**. Master's Thesis for Sociology, University of Tehran, Faculty of Social Sciences.
- Motahahinejad, Majid, Homayoun, Mohammad Hadi and Hatami, Mohammad Reza (1394), **An Introduction to the Genealogy of Barriers to Islamicization of Universities in Iran with Emphasis on Policy Planning and Planning**, *Quarterly Epistemological Studies at Islamic University* 64, 19th, No 3.
- Nabavi, Abbas (2001), "**The Fundamentals of Strategic and Theoretical Islamicization of Universities**", Tehran, Supreme Council of the Cultural Revolution.
- Nazari, Ali-Ashraf & Ali Hassanpour (2012). "**Culture, Power and Meaning in the Higher Education System of the Islamic Republic of Iran**". *Quarterly of National Studies*, Second Edition.
- Nikfar, Mohammad Reza (2015). "**Darkness and the Behavior of the Humanities in Iran**". *Azadi Andishe*, No. 1.
- Rajabzadeh, Ahmed (2000). **University, Religion and Politics**. Ministry of Science, Research and Technology, Office of Social Planning and Cultural Studies.
- Razavi, Reza (2009). "**The Cultural Revolution in Iran, with Close Regard to the Universities, and it's Impact on the Student Movement**". *Middle Eastern Studies*, 45:1, 1-17, DOI: 10.1080/00263200802547586.
- Razzaghi Seyyed Abbasalahi, Nader (1999). "**Islamization of the University in Imam Khomeini's View**". In: *Collection of Articles of*

University, Society and Islamic Culture, Volume 1. Ministry of Culture and Higher Education.

- Sakurai, Keiko (2004). “**University Entrance Examination and the Making of an Islamic Society in Iran: A Study of the Post-Revolutionary Iranian Approach to Konkur**”. *Iranin Studies*, Vol. 37, No. 3.
- Serajzadeh, Seyyed Hossein & Fatemeh Javaheri (2003). **Attitudes and Attitudes of Students**. Ministry of Science, Research and Technology, Office of Social Planning and Cultural Studies.
- Suzanchi, Hussein (2008). **Value and Knowledge: Introduction to Islamic University**. Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies, Ministry of Science, Research and Technology.
- Tajik, Mohammad Reza (2004). **Discourse, Anthropology and Politics**. Tehran: Institute for Research and Human Sciences.
- Tavakoli Bazzaz, Javad (1998). “**Two Main Obstacles in the Path of Islamicization of the University**”. *Quarterly Epistemological Studies at Islamic University*, No. 4.
- Zaker-Salehi, Gholam Reza (2010). **Geneology of Perspectives on Islamic Knowledge: A Historical-Social Perspective; In Native Science, World Science: Opportunity or Refusal?**. Tehran: University Jihad Teacher Training Unit
- Zeraat, Abbas (1997). “**Ways to Islamicize Universities**”. *Islamic University Quarterly*, No. 1.